



معرفی شاخص‌های جهانی سنجش افکار عمومی (۲): شاخص‌های سنجش مشارکت سیاسی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شماره مسلسل: ۱۹۸۰۶
کد موضوعی: ۳۴۰



مرکز پژوهش‌های
مجلس شورای اسلامی

تاریخ انتشار:
۱۴۰۳/۳/۳

عنوان گزارش:

معرفی شاخص‌های جهانی سنجش افکار عمومی «۲»:
شاخص‌های سنجش مشارکت سیاسی

نوع گزارش: طرح و لایحه □، نظارتی □، راهبردی □

نام دفتر:

افکارسنجی ملت

تهیه و تدوین:

محیا طالقانی

مدیر مطالعه:

محمدجواد بادین‌فکر

ناظران علمی:

وحید کشفی‌نیا، علیرضا خوشگویان‌فرد، رایحه قره

اظهار نظرکننده:

محمدرضا شمس (دفتر مطالعات سیاسی)

صفحه‌آرایی و گرافیک:

انسبه بهابزرگی

واژه‌های کلیدی:

۱. مشارکت سیاسی

۲. شاخص

۳. کنش سیاسی

۴. مشارکت اجتماعی

۵. رأی‌دهی

تاریخ شروع مطالعه:

۱۴۰۲/۰۷/۰۱



فهرست مطالب

۶	چکیده
۷	خلاصه مدیریتی
۸	۱. مقدمه
۹	۲. مفهوم مشارکت سیاسی
۱۱	۲-۱. مشارکت سیاسی یا کنش سیاسی
۱۵	۲-۲. جمع‌بندی تعاریف
۱۶	۳. مرور شاخص‌های مشارکت سیاسی
۱۶	۳-۱. شاخص چیست؟
۱۶	۳-۲. شاخص اوربا و نای
۱۷	۳-۳. شاخص (PPAR) از دیویدسن و کاتر
۱۸	۳-۴. شاخص مصرف سیاسی
۱۸	۳-۵. مقیاس رفتار مشارکتی (PBS)
۲۰	۳-۶. شاخص پیو (pew)
۲۲	۳-۷. جمع‌بندی شاخص‌ها
۲۴	۴. نتیجه‌گیری
۲۵	۵. پیوست (پرسشنامه‌ها)
۲۵	۵-۱. پرسشنامه بنگستون و کریستنسن
۲۵	۵-۲. پرسشنامه اوربا و نای
۲۷	۵-۳. پرسشنامه‌های استاندارد survey sparrow
۳۱	فهرست منابع و مآخذ

فهرست جداول

۱۰	جدول ۱. تعاریف مشارکت سیاسی از دید نظریه پردازان مختلف
۱۷	جدول ۲. شاخص مشارکت سیاسی دیویدسن و کاتر
۱۹	جدول ۳. مقیاس رفتار مشارکتی تالو و مارائینی
۲۰	جدول ۴. شاخص مورد استفاده پیو
۲۰	جدول ۵. جمع‌بندی شاخص‌های مرور شده
۲۵	جدول ۶. پرسشنامه اوربا و نای
۲۷	جدول ۷. پرسشنامه استاندارد Question pro
۳۰	جدول ۸. پرسشنامه استاندارد survey sparrow

فهرست نمودار

۱۴	نمودار ۱. تعاریف پنج‌گانه مشارکت سیاسی براساس کتاب دایره‌المعارف پژوهشی علوم سیاسی آکسفورد تألیف ون دت (۲۰۲۱)
----	---



معرفی شاخص‌های جهانی سنجش افکار عمومی (۲): شاخص‌های سنجش مشارکت سیاسی

چکیده



گزارش حاضر تلاش می‌کند تا از طریق مرور ادبیات نظری مشارکت سیاسی و بررسی شاخص‌های جهانی در این زمینه، دانش و شناخت لازم برای طراحی یک شاخص بومی جامع را فراهم سازد. از این رو، در این گزارش شاخص‌های پرکاربرد جهانی در سنجش مشارکت سیاسی و همچنین تعاریف نظریه‌پردازان مختلف از مفهوم مشارکت سیاسی بررسی شده است. در پایان، مجموعه‌ای از نشانگرهای مختلفی که در شاخص‌های جهانی برای سنجش ابعاد مهم مشارکت سیاسی بکار رفته‌اند، دسته‌بندی و ارائه شده‌اند. با مقایسه تعاریف مختلفی که از مفهوم مشارکت سیاسی ارائه شده‌اند، چنین استنتاج می‌شود که فعالیت‌های سیاسی رسمی و قانونی مانند شرکت در انتخابات و عضویت در احزاب، در هسته اصلی اغلب تعاریف قرار دارند و فعالیت‌های اعتراضی مانند اعتصاب و تحصن، مشارکت‌های اجتماعی مانند کمک به خیریه‌ها و فعالیت‌های ذهنی و شناختی مانند مطالعه یا تماشای اخبار در درجه دوم اهمیت جای دارند. در بخش معرفی شاخص‌ها، پنج شاخص معرفی شده است. نکته‌ای که در مورد این شاخص‌ها وجود دارد این است که طراحی نشانگرهای آن ارتباط زیادی با ویژگی‌های سیاسی و فرهنگی جامعه آماری دارد و نمی‌توان آنها را به همان شکل در جوامع دیگر به کار برد. این نشانگرها در هفت دسته کلی رأی‌دهی، حمایت/طرفداری، کنش در ساختار رسمی، مشارکت مدنی، مصرف محتوای سیاسی، کنش غیررسمی، زندگی روزمره و فعالیت‌های سیاسی قابل تقسیم هستند.





بیان/شرح مسئله

معرفی و توصیف شاخص‌های جهانی افکارسنجی یکی از سنت‌های مرسوم در میان مراکز و مؤسسات نظرسنجی به حساب می‌آید. با مطالعه و الهام گرفتن از این شاخص‌ها، هر کشوری می‌تواند متناسب با نیازها و مسائل حکمرانی خود، شاخص‌های بومی و استانداردی را تنظیم کرده و به صورت مستمر به سنجش آن موضوع بپردازد. در همین راستا، افکارسنجی ملت در نظر دارد در سلسله گزارش‌هایی با عنوان «معرفی شاخص‌های جهانی سنجش افکار عمومی» به معرفی شاخص‌های معتبر بین‌المللی در این زمینه بپردازد. گزارش حاضر، دومین گزارش از این سلسله گزارش‌هاست که با هدف معرفی و مرور نظریات و شاخص‌های مشارکت سیاسی به‌عنوان یکی از کنش‌های شهروندی مهم تدوین شده است. نرخ مشارکت سیاسی و تغییرات آن در مقاطع مختلف از موضوعاتی است که همواره نظر سیاستمداران و پژوهشگران را به‌خود جلب کرده است. با توجه به اهمیت این موضوع، ادبیات نظری مفصلی پیرامون آن وجود دارد که تعریف مفهوم مشارکت سیاسی، روش اندازه‌گیری و سنجش آن و مطالعه عوامل مؤثر بر آن را شامل می‌شود. یکی از ابزارهای علمی برای سنجش مفاهیم انتزاعی چون مشارکت سیاسی، شاخص‌ها هستند. شاخص‌ها، مفاهیم پیچیده و غیرملموس را به اجزا و ابعاد تشکیل‌دهنده آن تقسیم می‌کنند و با کمک نشانگرها به تشخیص هر یک از این ابعاد و اجزا می‌پردازند. برآیند مجموع نشانگرها تحت عنوان شاخص وضعیت مفهوم مورد نظر را از نظر شدت و جهت نشان می‌دهد. از فواید کاربرد شاخص در تحقیقات اجتماعی، روایی و پایایی آن و امکان مقایسه نتایج در جوامع و زمان‌های متفاوت است. به همین منظور در این گزارش تلاش شده با معرفی شاخص‌های مطرح مشارکت سیاسی، الگویی برای طراحی یک شاخص بومی ارائه شود.

نقطه نظرات/یافته‌های کلیدی

مشارکت سیاسی خصوصاً در کشورهای غربی ادبیات گسترده‌ای دارد. نظریه‌پردازان مختلف، طیف وسیعی از فعالیت‌های رسمی و قانونی را از داوطلب شدن برای پُست‌های سیاسی گرفته تا نافرمانی مدنی ذیل این عنوان آورده‌اند، اما با دقت نظر در تمایزات مفهومی و مصادیق آنها در عرصه سیاسی می‌توان به‌روشنی مرزهای میان مشارکت سیاسی و کنش سیاسی را دریافت. کنش سیاسی اعم از مشارکت سیاسی است. در واقع مشارکت سیاسی مجموعه‌ای از کنش‌های سیاسی است که ضمن به رسمیت شناختن نظام حاکم در جهت بهبود اداره کشور، داوطلبانه از سوی شهروندان عادی یک جامعه انجام می‌گیرد. سنجش میزان مشارکت سیاسی و تغییرات آن در طول زمان برای تحلیلگران و مدیران ارشد کشورها همواره اهمیت داشته است؛ چراکه نشانگر اعتماد، مشروعیت، رشد فکری و سیاسی و انسجام و تعلق اجتماعی یک جامعه است. به این منظور شاخص‌های متفاوت و متعددی طراحی شده که برخی از آنها برای سالیان پیاپی و در سطح بین‌المللی اجرا می‌شوند. در این گزارش پنج شاخص مطرح خارجی با جزئیات معرفی شده است. مواردی که بین این شاخص‌ها مشترک است، عبارتند از: رأی‌دهی، عضویت در گروه‌ها، احزاب یا انجمن‌های سیاسی، تماس گرفتن یا ملاقات با مسئولین، شرکت در جلسات و مراسم سیاسی، تلاش برای متقاعد کردن دیگران یا جلب آرای آنان به نفع نامزد مورد نظر و کمک مالی به احزاب یا شخصیت‌های سیاسی.

پیشنهاد راهکارهای تقنینی، نظارتی یا سیاستی

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد شاخص‌های مطرح و جهانی براساس سبک زندگی غربی، نوع نظام‌های سیاسی حاکم و فرهنگ آن جوامع تهیه شده و استفاده از آنها بدون ایجاد تغییر و اصلاح در جامعه ایران نتایج دقیقی به‌دست نمی‌دهد و نتایج اجرای این شاخص‌ها در کشور نمی‌تواند با نتایج حاصل از کشورهای دیگر مقایسه شود. بهتر است از این شاخص‌ها به جهت روشن‌تر شدن ابعاد مفهومی موضوع مورد مطالعه و آشنایی با ظرافت‌های روش‌شناختی استفاده کرد. در پایان این گزارش می‌تواند در جهت طراحی شاخص بومی مشارکت سیاسی و همچنین به آزمون گذاشتن فرضیه عوامل مؤثر بر افزایش میزان مشارکت سودمند باشد.



۱. مقدمه

مشارکت سیاسی شهروندان همواره برای نظام‌های مختلف حکمرانی دارای اهمیت است. اهمیت این امر در نظام‌های مردم‌سالار دوچندان است؛ چراکه مشروعیت سیاسی این نظام‌ها در گرو مشارکت سیاسی شهروندان قرار دارد، البته مشارکت سیاسی عنوان عامی است که مصادیق آن می‌تواند در جوامع مختلف متفاوت باشد، اما در مجموع، مشارکت سیاسی نشانه‌ای از اعتماد متقابل نظام سیاسی و شهروندان به یکدیگر و پویایی سیاسی و اجتماعی است و عامل انسجام و وحدت نیروهای درون یک کشور به حساب می‌آید. رقابت سیاسی نهادمند که در نتیجه مشارکت سیاسی به وجود می‌آید، تعارض و منازعه را به وفاق، مدارا و تحمل تبدیل می‌کند و از این‌رو، نقشی تعیین‌کننده در کیفیت و دوام نظام‌های سیاسی دارد. به همین دلیل سازمان‌ها و نهادهای پژوهشی، تمایل زیادی به سنجش و مقایسه مشارکت سیاسی در کشورها و دوره‌های تاریخی مختلف دارند. همین امر، مؤید ضرورت استفاده از ابزارهای دقیق و معتبر برای اندازه‌گیری مشارکت سیاسی است.

ابزاری که برای سنجش مشارکت سیاسی مردم به کار می‌رود، در صورتی که دقت و اعتبار کافی را داشته باشد، می‌تواند برای مقایسه جوامع مختلف با یکدیگر و نیز تغییرات یک جامعه در طول زمان سودمند باشد. به همین دلیل اندیشمندان رشته‌های علوم سیاسی و اجتماعی با همکاری متخصصان آمار و سنجش و اندازه‌گیری، شاخص‌هایی را طراحی کرده‌اند که برخی از آنها در بیش از صد کشور و در طول نیم قرن به کار گرفته شده‌اند. برای مثال، پروژه آی‌کوما و مورگن‌بسر^۱ از سال ۱۹۶۰ تا ۲۰۱۱ در ۵۴۸ انتخابات پارلمانی در ۱۰۸ کشور استفاده شده است [۱]. همچنین «گزارش کمیسیون سنجش عملکرد اقتصادی و پیشرفت اجتماعی» (۲۰۰۹) که با همکاری استیگلیتز^۲ و آمارتیا سن^۳ و جمعی دیگر از اندیشمندان نگاشته شده است، علت رشد چشمگیر طراحی و ساخت شاخص‌ها در سال‌های اخیر را هم‌زمانی سه عامل زیر می‌داند:

■ بهبود در سطح سواد (از جمله آماری)،

■ افزایش پیچیدگی جوامع و اقتصادهای مدرن،

■ دسترسی گسترده به فناوری اطلاعات [۲].

از آنجاکه در علوم انسانی موضوعات مورد پژوهش عموماً از مفاهیم کیفی و انتزاعی تشکیل شده‌اند و به سادگی قابل سنجش نیستند، استفاده از شاخص‌ها ضرورت می‌یابد، زیرا همان‌طور که در ادامه توضیح داده خواهد شد، کارکرد شاخص، ملموس کردن، عملیاتی کردن و سنجش‌پذیر کردن مفاهیم انتزاعی و پیچیده است، البته طراحی و ساخت شاخص نیازمند تخصص و صرف هزینه و وقت بسیار است، از این رو بسیاری از پژوهش‌ها از شاخص‌های موجود که در جوامع دیگر ساخته شده است استفاده کرده یا اساساً از به‌کارگیری شاخص اجتناب می‌کنند. مشارکت سیاسی نیز یکی از مفاهیم انتزاعی در علوم اجتماعی و سیاسی است که یک مابه‌ازای واحد و مشخص ندارد و از این رو برای سنجش و اندازه‌گیری آن باید از نشانگرها و شاخص‌ها استفاده کرد. اندازه‌گیری میزان مشارکت سیاسی شهروندان، امکان مقایسه مشارکت جامعه در زمان‌های مختلف و بین اقوام و فرهنگ‌های مختلف را فراهم می‌کند و پژوهشگر را قادر می‌سازد به تحلیل و علت‌یابی تغییر در میزان و نوع مشارکت بپردازد. از آنجاکه مشارکت سیاسی ضامن بقا، انسجام و پویایی هر نظام سیاسی است؛ دستیابی به ابزار اندازه‌گیری آن نیز ضروری است.

گزارش پیش‌رو با مرور تعاریف مختلفی که از «مشارکت سیاسی» وجود دارد و تلاش برای ارائه برداشتی صحیح و تعریفی واحد از این مفهوم آغاز می‌شود. در بخش دوم، نظریه‌های مرتبط با مشارکت سیاسی که تبیین‌کننده نوع و میزان مشارکت در جوامع مختلف هستند و متغیرهای زمینه‌ای و مستقلی که بر مشارکت سیاسی افراد مؤثر است، طرح می‌شود. در بخش سوم، شاخص‌های مختلف سنجش مشارکت سیاسی در جهان معرفی شده و با تلفیق و جمع‌بندی آنها یک شاخص جامع ارائه شده است تا در صورت لزوم الگویی برای استفاده خوانندگان قرار گیرد.

1. Election Turnout in Authoritarian Regimes (Ferran Martinez i Coma and Lee Morgenbesser)

2. Joseph Stiglitz

3. Amartya Sen

۲. مفهوم مشارکت سیاسی



فهم وضعیت محقق می‌شود. این نمره همچنین برای مقایسه جوامع مختلف با یکدیگر به کار می‌رود؛ مثل اینکه کدام کشور شاخص مشارکت سیاسی بالاتری دارد.

مفهوم مشارکت سیاسی علی‌رغم اینکه در نگاه اول ساده و سر راست به نظر می‌رسد، حدود و ثغور مبهمی دارد و محققان را دچار سردرگمی می‌کند. این امر دو علت دارد؛ علت اول ناشی از رشد فناوری‌های نوین ارتباطی است که موجب ظهور اشکال جدیدی از کنش سیاسی شده است که نه تنها در دوره نظریه‌پردازان کلاسیک مشارکت سیاسی وجود نداشت؛ بلکه برای نظریه‌پردازان امروزی نیز ماهیتی نوظهور و بدیع دارد و در قالب‌های از پیش موجود نمی‌گنجد. برای مثال لایک کردن یک پیام یا دنبال کردن یک صفحه سیاسی در فضای مجازی را مطابق الگوی شاخص‌های کلاسیک مشارکت سیاسی، می‌توان ذیل حضور در یک تجمع سیاسی دسته‌بندی کرد؛ اما نادیده گرفتن تمایزهای اشکال نوین مشارکت سیاسی از دقت مطالعه می‌کاهد.

علت دیگر این است که از یک سو فعالیت‌ها و مسئولیت‌های دولت در بسیاری از کشورها گسترش یافته و این امر تلاقی دولت و شهروندان را در حوزه‌های مختلف افزایش داده و زمینه اطلاق معیارهای مشارکت به رفتار مردم را بیشتر فراهم کرده است و از سوی دیگر همان‌طور که دث (۲۰۱۴) بیان می‌کند، با افزایش مستمر مخارج دولتی از دهه ۱۹۸۰، برعهده گرفتن برخی وظایف دولت‌ها مثل حمایت از اقشار آسیب‌پذیر توسط گروه‌های مردمی تشویق شده و به این ترتیب در برخی حوزه‌ها، مشارکت مدنی شهروندان، جایگزین نقش دولت شده است. دث (۲۰۱۴) در این باره می‌گوید: «با احیای رویکردهای جامعه‌گرایانه توکویل، مرز بین حوزه‌های سیاسی و غیرسیاسی کم‌رنگ شده و فعالیت‌های مدنی، داوطلبانه و مشارکت اجتماعی در انواع انجمن‌های داوطلبانه نیز به‌عنوان اشکالی از مشارکت سیاسی در نظر گرفته می‌شود. دلیل دیگری که مشارکت اجتماعی از سوی برخی نظریه‌پردازان ذیل مشارکت سیاسی تعریف می‌شود، این استدلال توکویل^۱ و جامعه‌گرایان است که جامعه‌ای که به

مبنای تمامی پژوهش‌هایی که درباره مشارکت سیاسی انجام شده، تعریفی است که پژوهشگران از این مفهوم مدنظر قرار می‌دهند. بر این اساس پژوهش‌های مختلف بسته به تعریفی که از مفهوم مشارکت سیاسی ارائه می‌کنند، می‌توانند سطوح متفاوتی از مشارکت را از یک جامعه واحد منعکس کنند. بنابراین توجه به ابعاد مفهومی پژوهش اهمیت بسیاری دارد. وقتی از مشارکت سیاسی صحبت می‌شود آنچه در ابتدا به ذهن متبادر می‌گردد «شرکت در انتخابات» است. شاید بتوان گفت بیشترین کاربرد این عبارت هم اشاره به همین موضوع باشد، اما مشارکت سیاسی علاوه بر شرکت در انتخابات، مصادیق متعدد دیگری نیز دارد. همان‌طور که دث^۱ (۲۰۰۱) می‌گوید: از اواخر قرن بیستم، دامنه فعالیت‌هایی که به‌عنوان مشارکت سیاسی در نظر گرفته می‌شود، تقریباً به ۷۰ نوع فعالیت گسترش یافته است [۳]. به همین ترتیب، وایزر^۲ (۲۰۱۵) نیز معتقد است بسیاری از محققان در مورد محتوا و دامنه مفهوم مشارکت سیاسی توافق ندارند و آن را تا حدودی مترادف مشارکت اجتماعی می‌گیرند. همین سبب شده دامنه شمول و فراگیری مفهوم مشارکت سیاسی بیش از حد گسترش یابد [۴].

از منظر روش‌شناسی «مشارکت سیاسی» یک «سازه» است. «سازه‌ها» نوع یا دسته‌ای از متغیرها هستند که خود از چند متغیر ساده‌تر تشکیل شده‌اند. آنها چند بُعدی و مرکب هستند و نمی‌توانند به‌طور مستقیم اندازه‌گیری شوند؛ بلکه باید هر بُعد از آنها را توسط یک نشانگر سنجید و نتایج را طبق روش‌های آماری و ریاضی از جمله هم‌تراز کردن و وزن‌دهی، جمع کرد. در واقع ارتباط بین شاخص و سازه به این صورت است که شاخص برای سنجش سازه استفاده می‌شود. عددی که در نتیجه اندازه‌گیری با شاخص به دست می‌آید، بیش از آنکه به خودی خود معنادار باشد، در یک نظام رتبه‌بندی و مقایسه‌ای معنا پیدا می‌کند. برای مثال اگر بگویند شاخص مشارکت در ایران عدد ۷ است، توضیح زیادی از وضعیت به ما نمی‌دهد؛ اما اگر گفته شود شاخص مشارکت در ایران در یک سال عدد ۷ و در سال دیگر عدد ۸ بوده است، امکان مقایسه و

1. Deth
2. Wajzer
3. Tocqueville



سیاسی را به دو دسته رسمی و غیررسمی تقسیم می‌کند. به اعتقاد لامپیانو^۲ (۲۰۱۳) این تمایز از دهه ۱۹۷۰ در تحقیقات وجود داشته است. مشارکت رسمی، ساختارمند و معمولاً مشروع است مانند عضویت در یک حزب سیاسی، رأی دادن، شرکت در جلسات سیاسی و غیره. اما مشارکت غیررسمی که به آن مشارکت جایگزین هم می‌گویند شامل مواردی مانند تولید آثار هنری نمادین، فعالیت در شبکه‌های اجتماعی و همچنین فعالیت‌های تهاجمی، افراطی و غیرقانونی می‌شود [۶]. در جدول زیر، خلاصه برخی تعاریف مشارکت سیاسی آورده شده است:

لحاظ مدنی پرجنب و جوش باشد نشانه‌ای از رونق و کیفیت دمکراسی است [۵]. وربا و نای^۱ (۱۹۷۲) از پیشگامان مطالعه در حوزه مشارکت سیاسی، این مفهوم را چنین تعریف کرده‌اند: «رفتاری که به منظور تأثیر بر انتخاب اعضا و سیاست‌های حکومت طراحی شده است». این تعریف شامل نگرش‌های منفعلانه، نافرمانی مدنی و خشونت سیاسی نمی‌شود و شرط لازم برای مشارکت سیاسی را حکومت دمکراتیک می‌داند، اما دسته‌ای دیگر از محققان فعالیت‌های غیررسمی و غیرقانونی را هم جزء مشارکت سیاسی می‌دانند. برای مثال گیل^۲ (۲۰۰۷) مشارکت

جدول ۱. تعاریف مشارکت سیاسی از دید نظریه پردازان مختلف

نام (سال اثر)	تعریف مشارکت سیاسی
هانتینگتون و نلسون ^۴ (۱۹۷۶)	مشارکت سیاسی عبارت است از فعالیت‌های شهروندانی که قصد تأثیرگذاری بر تصمیم‌گیری‌های مقامات دولتی را دارند [۷].
وینر ^۵ (۱۹۸۷)	مشارکت سیاسی عبارت است از عمل داوطلبانه موفق یا ناموفق، سازمان‌یافته یا سازمان‌نیافته، دوره‌ای یا مستمر شامل روش‌های مشروع و غیرمشروع برای تأثیر بر انتخاب رهبران و سیاست‌ها و اداره امور عمومی در هر سطحی از حکومت محلی یا ملی [۸].
پری، مویسر، و دی ^۶ (۱۹۹۲)	مشارکت سیاسی عبارت است از فعالیت‌های شهروندانی که قصد تأثیرگذاری بر تصمیم‌گیری مقامات دولتی را دارند [۹].
برادی، شوزمن و وربا ^۷ (۱۹۹۵)	مشارکت سیاسی عبارت است از هر فعالیتی به منظور تأثیرگذاری مستقیم یا غیرمستقیم بر عملکرد دولت [۱۰].
برادی، شوزمن و وربا (۱۹۹۹)	مشارکت سیاسی عبارت است از اقدام شهروندان عادی برای تأثیرگذاری بر برخی نتایج سیاسی [۱۱].
نوریس ^۸ (۲۰۰۲)	علاوه بر فعالیت‌هایی که به منظور تأثیرگذاری بر مقامات دولتی انجام می‌شود، مشارکت سیاسی عبارت است از هر فعالیتی که به طور مستقیم یا غیرمستقیم به منظور تأثیرگذاری بر جامعه مدنی طراحی شده، یا تلاش دارد تا الگوهای سیستماتیک رفتار اجتماعی را تغییر دهد [۱۲].
راش ^۹ (۲۰۱۴)	مشارکت سیاسی عبارت است از هرگونه درگیر شدن فرد در سطوح مختلف فعالیت در نظام سیاسی، از عدم درگیری تا داشتن مقام رسمی سیاسی [۱۳].
دایره المعارف علوم اجتماعی و رفتاری ^{۱۰} (۲۰۱۵)	مشارکت سیاسی عبارت است از هرگونه فعالیت سیاسی که توسط توده‌های مردم برای تأثیرگذاری بر سیاست‌های عمومی انجام می‌شود، چه به طور مستقیم یا از طریق تأثیرگذاری بر انتخاب افرادی که سیاست‌گذاری می‌کنند [۱۴].
سایرمبای ^{۱۱} (۲۰۲۰)	مشارکت سیاسی عبارت است از هر اقدامی از سوی شهروندان که با هدف تأثیرگذاری بر نتایج نهادهای سیاسی یا ساختارهای آنها انجام می‌شود و با مشارکت مدنی تقویت می‌شود [۱۵].

1. Verba and Nie
2. Gill
3. Lamprianou
4. SP Huntington, JM Nelson
5. Weiner, M.
6. Parry, G., Moyser, G., & Day, N.
7. Brady, H., Schlozman, K., & Verba, S.
8. Norris, P.
9. Rush, M.
10. International Encyclopedia of the Social Behavioral Sciences
11. Sairambay, Y.

۳. هدف سیاسی: یعنی همراه با نیت یا هدف تأثیرگذاری بر تصمیمات و اقدامات دولتی انجام می‌شود. در واقع این سه مؤلفه، هسته اصلی مشارکت سیاسی را تشکیل می‌دهد. در جدول دوم و بین تقسیم‌بندی‌هایی که از انواع شیوه‌های مشارکت سیاسی صورت گرفته است دوگانه رسمی و غیررسمی یا قانونی و غیرقانونی و یا متعارف و غیرمتعارف در دیدگاه اکثر نویسندگان وجود دارد و در بخش فعالیت‌های رسمی نیز، شرکت در انتخابات و تماس با مقامات و مسئولین پرتکرارترین نشانه‌ها به حساب می‌آید.

حمایت یا اعتراض نسبت به یک حزب یا یک نامزد انتخابات نباشد و مقاصد ریشه‌ای تری را مثلاً در سطح ایدئولوژی هدف قرار دهد. مثلاً در انتقاد از سرمایه‌داری به دفاع از مارکسیسم بپردازد و این را با نوع موسیقی نشان دهد. مانند بسیاری از نشانه‌های جنبش‌های دهه ۱۹۶۰ اروپا که در ادبیات، هنر، سبک زندگی و غیره نمود داشت.

با پذیرش این رویکرد، کنش سیاسی گستره وسیع‌تری پیدا می‌کند و ساحت‌های اجتماعی، اقتصادی، هنری و حتی زندگی خصوصی روزمره را نیز دربرمی‌گیرد. این کنش‌ها شاید مؤلفه‌های بسیاری از تعاریف مشارکت سیاسی را داشته باشند (داوطلبانه هستند، توسط شهروندان انجام می‌شوند و قصدشان تأثیرگذاری بر سیاست است)، اما اساساً «مشارکت» نیستند. زیرا فاقد پیش‌فرض به رسمیت شناختن و تأیید کردن نظام سیاسی حاکم‌اند. به عبارت دیگر مشارکت در آنچه از اساس نفی می‌شود بی‌معناست. با این تعریف کنش‌های سیاسی غیررسمی در حوزه مفهومی مشارکت نمی‌گنجند.

بنابراین یک راه برای حل پیچیدگی‌های مفهومی این حوزه، تمایز بین مشارکت سیاسی و کنش سیاسی غیرمشارکتی است. یک رویکرد جایگزین دیگر این است که کنش‌های سیاسی را از مشارکت رسمی کلاسیک گرفته تا اشکال جدیدتر کنش، روی یک طیف در گروه‌های متفاوتی دسته‌بندی کنیم. این روشی است که دایره‌المعارف پژوهشی علوم سیاسی آکسفورد^۱ (۲۰۲۱) پس از مرور اشکال مختلف مشارکت و عمل سیاسی، تصریح تفاوت‌های آنان با یکدیگر و اذعان به این که نمی‌توان همه مصادیق را ذیل یک مفهوم واحد قرار داد، به کار گرفته

با مرور نظریات مطرح در این حوزه، می‌توان چنین جمع‌بندی کرد که مفهوم مشارکت سیاسی سه مؤلفه کلیدی دارد:

۱. کنش: یعنی مشارکت سیاسی از جنس یک فعالیت یا کنش است تا یک نگرش یا درگیری ذهنی و امثال آن. به عبارت دیگر مشارکت سیاسی نباید محدود به نگرش یا درگیری ذهنی باشد، بلکه باید به صورت کنش به منصف ظهور برسد، یا باید به کنش منجر شود.

۲. شهروندی: یعنی توسط شهروندان عادی صورت می‌گیرد و نه سیاستمداران حرفه‌ای.

۲-۱. مشارکت سیاسی یا کنش سیاسی

پیش از ادامه بحث باید به تمایز بین دو مفهوم کنش سیاسی و مشارکت سیاسی توجه کرد. به نظر می‌رسد بسیاری از پژوهش‌ها، قصد سنجش میزان «کنشگری» سیاسی مردم را داشته‌اند و با اغماض از عبارت «مشارکت» سیاسی استفاده کرده‌اند. «مشارکت» در لغت به معنای همکاری و سهیم شدن است. بنابراین پیش‌نیاز آن، پذیرش متقابل و اشتراک در هدف یا روند است. یعنی دو طرف برای اینکه بتوانند با یکدیگر همکاری کنند و در هدف، فرایند یا نتایج عملشان با یکدیگر سهیم شوند، باید یکدیگر را و نیز بستر و نوع فعالیت‌شان را به رسمیت بشناسند و تا حدودی با هم اشتراک نظر داشته باشند. اگر این پذیرش متقابل و عمل به مثابه همکاری وجود نداشته باشد، آنچه در ارتباط بین دو گروه رخ می‌دهد از نوع کنش و واکنش است. بنابراین فرد یا گروهی از مردم که نظام سیاسی حاکم را فاقد مشروعیت می‌دانند و همکاری با آن را ضامن منافع خود نمی‌بینند، اگر به اقدامی سیاسی دست بزنند از جنس کنش سیاسی است و نه مشارکت سیاسی. به عبارت دیگر پیش شرط مشارکت سیاسی پذیرش مشروعیت نظام سیاسی و کنش در چارچوب الزامات قانونی و رویه‌ای آن نظام است در حالی که کنش سیاسی، فراسوی این چارچوب‌ها قرار دارد و هر کنش سیاسی الزاماً به معنای پذیرش کلیت نظام سیاسی نیست. برای مثال، یک موسیقی عامه‌پسند، که به لحاظ فرم، محتوا و هوادار همراستا با نظام سیاسی حاکم نیست، ممکن است در تمام جنبه‌های فرایند تولید و مصرف واجد سویه‌های سیاسی بوده و اتفاقاً قصد اثرگذاری بر عملکرد دولت را نیز داشته باشد، اما این اثرگذاری لزوماً از جنس

1. Oxford Research Encyclopedia Of Politics



است. در این دایره‌المعارف چنین آمده است:

«در دمکراسی‌های فعال، اشکال مشارکت همواره در حال گسترش است. این امر بسیاری از محققین را بر سر این دوراهی قرار داده است که یا از یک مفهوم‌سازی کلاسیک از مشارکت استفاده کنند و بسیاری از شیوه‌های جدید کنش سیاسی را کنار بگذارند، یا مفهوم مشارکت سیاسی را چنان بسط دهند که تمام اشکال را پوشش دهد. بسیاری از شیوه‌های جدیدتر کنش سیاسی که «خلاقانه»، «شخصی‌شده» و «فردی» هستند؛ مانند مصرف سیاسی^۱ و مهمانی‌های خیابانی^۲ یا باغبانی چریکی^۳، به سختی قابل تعریف هستند. زیرا اساساً به فعالیت‌های غیرسیاسی مربوط می‌شوند که برای اهداف سیاسی به کار می‌روند. علاوه بر این استفاده از فناوری‌های مبتنی بر اینترنت تشخیص مشارکت سیاسی را بسیار دشوار می‌کند. با اضافه شدن هر شکل جدید از عمل سیاسی، مرزهای مفهوم مشارکت سیاسی مخدوش‌تر می‌شود، به طوری که به نظر می‌رسد تقریباً هر فعالیتی که توسط برخی از شهروندان انجام می‌شود، گاهی اوقات می‌تواند به عنوان نوعی مشارکت سیاسی تعریف گردد» [۵].

از نظر دث (۲۰۲۱) تلاش برای دستیابی به تعریفی روشن و جامع از مشارکت سیاسی، از آن جهت اهمیت دارد که این مفهوم در واقع ابزاری برای سنجش کیفیت دمکراسی است. او معتقد است مهمترین پیامد کاهش وضوح تحلیلی مفهوم مشارکت سیاسی این است که به طور قابل توجهی مانع ارزیابی صحیح کیفیت دموکراسی می‌شود. برای مثال تعاریف مُصِیق مشارکت معمولاً نتیجه‌گیری‌های نسبتاً بدبینانه‌ای دارد و مشروعیت نظام سیاسی را به چالش می‌کشد. دث در ادامه راه‌حل خود را برای برطرف کردن این مشکلات مفهومی، نه توسعه تعاریف اسمی فراگیر و نه تحلیل‌های قیاسی از اشکال رایج مشارکت و نه تلاشی برای ارائه یک تعریف واحد و جامع از مشارکت سیاسی؛ بلکه پیروی از یک راهبرد جایگزین و بسیار متفاوت معرفی می‌کند. یعنی طراحی یک نقشه مفهومی از مشارکت سیاسی که کنش‌های مختلف را براساس ویژگی‌ها و معیارهای مشخصی دسته‌بندی می‌کند. دث، ویژگی‌های اصلی

مشارکت سیاسی را روشن و بلامنازع می‌داند و آنها را در چهار مورد خلاصه می‌کند:

■ اولاً، مشارکت سیاسی یک کنش یا فعالیت است. بنابراین تماشای صرف تلویزیون یا علاقه‌مندی به سیاست، مشارکت به حساب نمی‌آید.

■ ثانیاً، داوطلبانه است و توسط طبقه حاکم یا طبق برخی از قوانین تحمیل و اجبار نمی‌شود.

■ ثالثاً، توسط افراد غیرحرفه‌ای و نه مثلاً سیاستمدار، کارمند دولتی یا لابی‌گر سیاسی صورت می‌گیرد.

■ ویژگی نهایی و چهارم این است که این کنش داوطلبانه غیرحرفه‌ای، باید به دولت، سیاست یا حکومت در معانی وسیع این کلمات، اما محدود به مراحل خاصی (مانند فرایندهای تصمیم‌گیری مجلس یا اجرای قوانین) یا به سطوح یا حوزه‌های خاص (مانند انتخابات ملی یا تماس با مقامات حزب) مربوط باشد [۱۶].

بنابراین، مطابق با نظر دث (۲۰۲۱) هر فعالیت داوطلبانه و غیرحرفه‌ای مربوط به حکومت، سیاست یا دولت، نمونه‌ای از مشارکت سیاسی است. این چهار ویژگی که تعریفی حداقلی از مشارکت سیاسی به دست می‌دهد را می‌توان در قالب چهار قانون ذیل چهار سؤال اصلی نشان داد:

قانون ۱: آیا آنچه از آن با عنوان مشارکت یاد می‌کنیم، یک فعالیت یا کنش هست؟^۴

تعاریف اسمی مشارکت همگی با ارجاع به جنبه‌های رفتاری شروع می‌شوند. مشارکت مستلزم یک فعالیت یا اقدام است. علاقه به سیاست یا تماشای برنامه‌های خبری برای تحقق مشارکت کافی نیست. در اینجا امتناع از کنش در شرایطی که انجام کنش ممکن یا حتی مطلوب است و انجام ندادن آن با نیت قبلی و معنادار باشد نیز می‌تواند به عنوان یک فعالیت یا کنش در نظر گرفته شود. مانند امتناع از خرید محصولات واقعی قابل دریافت، ماندن در خانه در روز انتخابات واقعی، یا امتناع از پرداخت هزینه‌ای که درخواست می‌شود.

۱. ملاحظات سیاسی داشتن هنگام انتخاب و خرید محصولات (Political Consumerism).

۲. مهمانی که در خیابان یا اماکن عمومی و معمولاً توسط ساکنان محلی برگزار می‌شود (Street Party).

۳. کاشت گیاه در مناطقی که متعلق به باغبان نیست و عموماً به منظور جلب توجه دیگران به ضرورت ایجاد تغییر در رویه‌های قانونی انجام می‌گیرد (Gardening Guerrilla).

دهند، می‌توانند به‌عنوان شیوه‌هایی از مشارکت سیاسی در نظر گرفته شوند. مثالی از این نوع مشارکت زمانی است که کارگران خیابان‌ها را مسدود می‌کنند تا از مقررات‌زدایی از شرایط کار جلوگیری کنند. نکته تعیین‌کننده در این قانون اولویت هدف کنش بر اهداف فعالان یا شرکت‌کنندگان در کنش است. در مثال بستن خیابان هدف از عمل بستن خیابان انتقال این پیام به سیاستمداران است که کارگران از تصویب قانون مدنظر ناراضی هستند اما ممکن است افرادی با مقاصد غیر از این نیز در این تجمع شرکت کنند.

نوع سوم مشارکت سیاسی، فعالیت (قانون یک) داوطلبانه‌ای (قانون دو) است که توسط شهروندان عادی (قانون سه) صورت می‌گیرد، اما نه در ساختار رسمی سیاست قرار دارد (قانون چهار) نه آن را هدف یا مخاطب می‌گیرد (قانون پنج) بلکه هدف آن، حل مشکلات عمومی و کمک به دیگران در معنای عمومی و اجتماعی و نه فردی است. یعنی انجام فعالیت‌هایی که به حل مشکلات مشترک معطوف باشد. هی (۲۰۰۷) در این باره می‌گوید: «چنین اقداماتی وقتی سیاسی تلقی می‌شوند که از موقعیت‌های انتخاب جمعی ناشی شوند یا پیامدهای جمعی داشته باشند.» زوکین (۲۰۰۶) در مورد نقش حل مشکلات عمومی در مشارکت سیاسی معتقد است مشارکت به‌طور فزاینده‌ای «روی حل مشکلات و کمک به دیگران» متمرکز است [۱۷]. اینجا قانون ششم دث شکل می‌گیرد:

قانون ۶: آیا این فعالیت یا کنش با هدف حل مشکلات جمعی یا اجتماعی انجام می‌شود؟
فعالیت‌های غیرحرفه‌ای و داوطلبانه که در حوزه دولت/حکومت/سیاست قرار ندارند یا در آن هدف قرار نمی‌گیرند، اگر در جهت حل مشکلات جمعی یا اجتماعی باشند، می‌توانند به عنوان شیوه‌های مشارکت سیاسی در نظر گرفته شوند.

نوع چهارم مشارکت سیاسی، که مشارکت سیاسی زمینه‌ای یا شرایطی نام دارد، شامل فعالیت‌هایی می‌شود که توسط شهروندان عادی و به صورت داوطلبانه در زمینه و بستری سیاسی انجام می‌گیرد، اما واجد ویژگی‌های دیگری که گفته شد نیست. یعنی در چارچوب نهادها و مجاری سیاسی رسمی یا معطوف به آنها قرار ندارد و با هدف رفع مشکلات عمومی نیز صورت نمی‌گیرد بلکه صرفاً زمینه بروز و ظهورشان سیاسی است. برای اجرای نمایشنامه در مناطقی از شهر که از نظر سیاسی جنبه نمادین دارند، می‌تواند مشارکت

قانون ۲: آیا این فعالیت داوطلبانه است؟

در یک دمکراسی، مشارکت سیاسی نباید در نتیجه زور، فشار یا تهدید صورت گیرد؛ بلکه باید اختیاری و مبتنی بر اراده آزاد باشد. از آنجا که بررسی اراده آزاد یک فرد در تحقیقات تجربی بسیار مشکل‌ساز است، به‌کارگیری فرمول نفی، عملی‌تر به‌نظر می‌رسد. یعنی به‌جای تأیید آزادی اراده باید اثبات کنیم عواملی که آزادی اراده را مختل می‌کند، وجود ندارد. مثلاً وجود هزینه‌های بالا و غیرمنطقی یا هر نوع اجبار قابل مشاهده برای شرکت نکردن در انتخابات عاملی است که آزادی اراده را خدشه‌دار می‌کند و با اثبات نبود این عوامل می‌توان از وجود اراده آزاد اطمینان پیدا کرد.

قانون ۳: آیا فعالیت توسط افراد غیرحرفه‌ای انجام می‌شود؟
بیشتر تعاریف صراحتاً به شهروندان اشاره می‌کنند تا این کنش‌ها را از فعالیت‌های سیاستمداران، کارمندان دولت، متصدیان مناصب، روزنامه‌نگاران و نمایندگان حرفه‌ای، مشاوران، لابی‌گراها و موارد مشابه متمایز کنند.

قانون ۴: آیا فعالیت در حوزه حکومت/دولت/سیاست قرار دارد؟

صفت «سیاسی» مؤلفه‌ای مهم برای هرگونه مفهوم‌سازی از مشارکت سیاسی است. براساس این قاعده یکی از شرط‌های مشارکت سیاسی ارتباط آن با ساختار نهادی نظام سیاسی است.

طبق نظر دث این چهار قاعده برای رسیدن به یک تعریف حداقلی از مشارکت سیاسی کافی است. اما تعریف دیگری نیز وجود دارد که نوع دوم مشارکت سیاسی مدنظر این مدل، یعنی مشارکت سیاسی هدفمند را مشخص می‌کند. این شکل از مشارکت خارج از ساختار نهادی سیاسی اتفاق می‌افتد، اما به مسائلی مربوط می‌شود که از نظر سیاسی به رسمیت شناخته شده‌اند و ممکن است برنامه‌های قانونی یا دیپلماتیک فعالی در مورد آنها وجود داشته باشد. بنابراین در صورتی که فعالیت مورد نظر در حوزه رسمی و نهادی حکومت/دولت/سیاست واقع نشده باشد (قاعده ۴)، قانون دیگری برای پوشش آن فعالیت‌ها لازم است. دث این شرط را در قالب قانون پنجم بیان می‌کند:

قانون ۵: آیا این فعالیت حوزه دولت/حکومت/سیاست را هدف یا مخاطب قرار داده است؟

براساس این قانون فعالیت‌هایی که در ساختار دولت/حکومت/سیاست واقع نمی‌شوند، اگر آن حوزه را هدف یا مخاطب قرار



بیان کند، به راحتی می‌توان این اقدام را فعالیتی سیاسی دانست. این نوع مشارکت شامل تمام فعالیت‌های داوطلبانه و غیرسیاسی شهروندان می‌شود که برای بیان اهداف و مقاصد سیاسی به کار می‌رود و در یکی از چهار نوع مشارکت قبلی نمی‌گنجد. این فعالیت‌ها که در آنها مقاصد و نیات کنشگران مورد توجه قرار می‌گیرد، آخرین شکل از نقشه مفهومی مشارکت سیاسی است و در قالب قانون هشتم بیان می‌شود:

قانون ۸: آیا از این فعالیت برای بیان اهداف و مقاصد سیاسی استفاده می‌شود؟

هر فعالیتی که سه قاعده اول - فعالیت، داوطلبانه، غیرحرفه‌ای - را برآورده می‌کند، اما در عرصه سیاسی واقع نمی‌شود، بازیگران سیاسی یا مشکلات جمعی را هدف قرار نمی‌دهد و در یک زمینه سیاسی نیز قرار نمی‌گیرد، می‌تواند به عنوان شکلی از مشارکت سیاسی در نظر گرفته شود، در صورتی که از آن فعالیت برای بیان اهداف و مقاصد سیاسی توسط کنشگران استفاده شود.

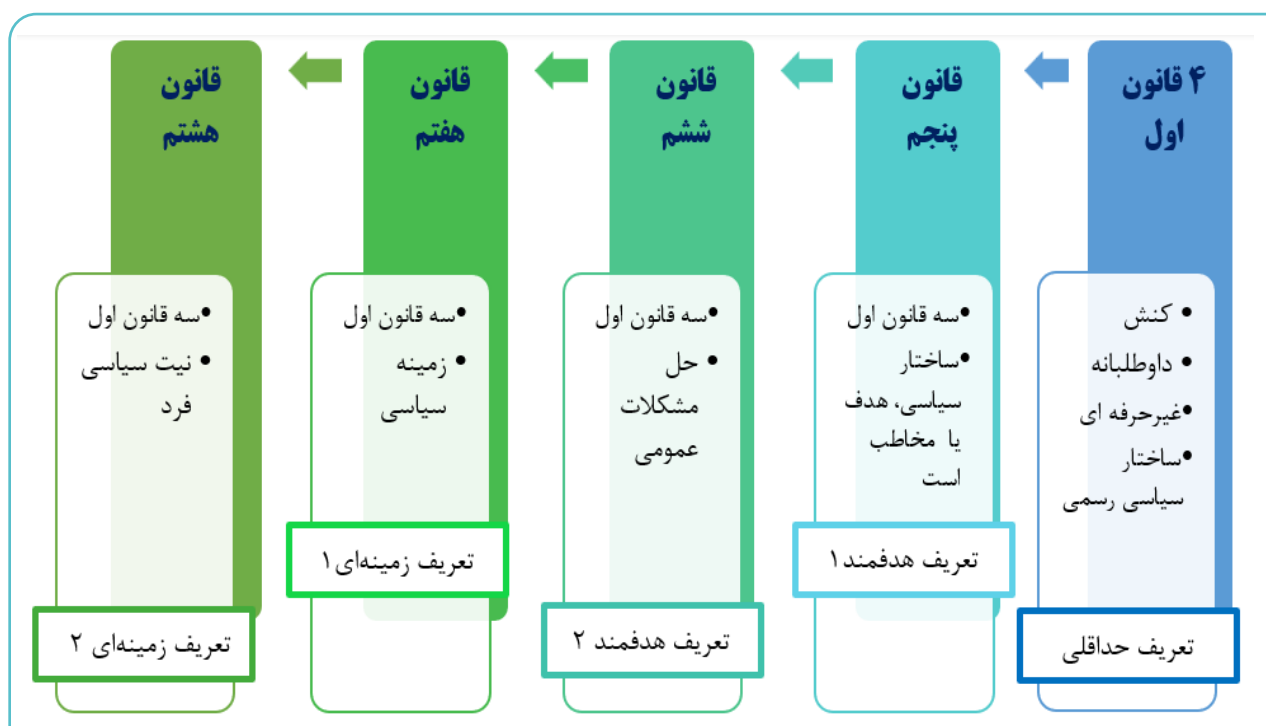
سیاسی تلقی شود. تئوچاریس^۱ (۲۰۱۵) می‌نویسد: «اردو زدن یا اجرای نمایشنامه، فعالیت‌های سیاسی نیستند، اما اگر در دروازه‌های خیابان داویننگ^۲ یا مقابل بانک مرکزی اروپا انجام شوند، می‌توانند به مثابه یک فعالیت سیاسی تلقی شوند» [۱۸]. بنابراین دت قانون هفتم را با پاسخ به این سؤال معرفی می‌کند:

قانون ۷: آیا فعالیت در یک بستر (یا بافتار) سیاسی انجام می‌شود؟

یک فعالیت غیرسیاسی داوطلبانه و غیرحرفه‌ای که هیچ‌یک از ویژگی‌های ذکر شده در قوانین ۴، ۵ یا ۶ را ندارد، اگر در یک زمینه سیاسی انجام شود، می‌تواند به‌عنوان نوعی مشارکت سیاسی شناخته شود.

راه دیگری که برای تشخیص ماهیت سیاسی فعالیت‌های غیرسیاسی وجود دارد تکیه بر اظهارات صریح شخص کنشگر است: مثلاً خرید یک نام تجاری (برند) خاص قهوه، فعالیت سیاسی نیست. با این حال، اگر خریدار صراحتاً قصد خود را از انتخاب این محصول، مثلاً واکنشی علیه مقررات واردات

نمودار ۱. تعاریف پنج گانه مشارکت سیاسی بر اساس کتاب دایره المعارف پژوهشی علوم سیاسی آکسفورد تألیف ون دت (۲۰۲۱)



1. Theocharis

۲. داویننگ نام خیابانی در لندن است که دفاتر نخست‌وزیری بریتانیا و وزارت دارایی در آن قرار دارد.

تا فرصتی برای یافتن شریکی برای گذراندن تفریحات آخر هفته پیدا کنند. یا می‌توانند برای کمک به انتخاب شدن برخی از آشنایان، رأی بدهند. به همین ترتیب برای برخی از رأی‌دهندگان در رأی دادن به یک نامزد یا حزب خاص، جلوگیری از عصبانیت همسر مهم‌تر از پیروزی A به جای B است. اگرچه این شکل از مشارکت غیرسیاسی مورد جالبی برای مطالعه مشارکت و دموکراسی است، اما نوع متمایزی از مشارکت سیاسی را ایجاد نمی‌کند [۱۶].

مدل مفهومی دث که در قالب ۸ قانون ارائه شد این قابلیت را دارد که به فراخور مقاصد و زمینه‌های گوناگون پژوهشی، تعریفی سازگار با آن موقعیت ارائه کند. بنابراین می‌تواند به‌عنوان مرجعی برای گستره متنوعی از موضوعات پژوهشی به کار رود، البته باید توجه داشت که این تقسیم‌بندی بیشتر ناظر بر کنش سیاسی است تا مشارکت سیاسی. بنابراین با توجه به تمایزی که درباره دو مفهوم کنش سیاسی و مشارکت سیاسی بیان شد؛ مشارکت سیاسی شامل آن دسته از فعالیت‌های داوطلبانه شهروندان است که به صورت رسمی یا غیررسمی، در چارچوب‌های تعیین‌شده از سوی حکومت و یا خارج از آن به قصد تأثیرگذاری بر نحوه اداره کشور با پیش‌نیاز پذیرش اصول سیاسی حاکم و به رسمیت شناختن نظام سیاسی مستقر انجام می‌گیرد. تنها در این حالت است که یک فعالیت می‌تواند هم «مشارکت» باشد و هم «سیاسی». مطابق این تعریف فعالیت‌های اجتماعی و عام‌المنفعه و همچنین فعالیت‌های سیاسی برانداز، مشارکت سیاسی به حساب نمی‌آیند.

فارغ از تعاریف و برشمردن انواع مشارکت سیاسی که تا کنون درباره آنها بحث شد، هی (۲۰۰۷) تمایز مهمی را مطرح می‌کند. از نظر او هر نوع مشارکت سیاسی را می‌توان به فعالیت‌های «سیاسی» یا «غیرسیاسی» تقسیم کرد. در اینجا معیار تشخیص سیاسی یا غیرسیاسی بودن فعالیت‌ها این است که آیا انگیزه کنشگران از انجام فعالیتی که ظاهراً در قالب یکی از انواع مشارکت سیاسی می‌گنجد، سیاسی است یا خیر؟ مثلاً مردم می‌توانند در تظاهراتی شرکت کنند

۲-۲. جمع‌بندی تعاریف

همان‌طور که مشاهده شد آنچه بین همه تعاریف مشترک است، تلاش داوطلبانه شهروندان عادی برای تأثیرگذاری بر تصمیمات مقامات و به‌طور کلی نظام سیاسی است، اما مدنظر قرار دادن این تعریف، گستره وسیعی از کنش‌های سیاسی را شامل می‌شود که ماهیتاً تفاوت‌های زیادی با یکدیگر دارند و سنجش همه آنان در یک شاخص کار دشواری است. از سوی دیگر پژوهشگر همواره به مواجهه با این حجم انبوه از مصادیق و رفتارهای سیاسی نیاز ندارد. در واقع این موضوع و هدف تحقیق است که تعیین‌کننده دایره مفهومی مشارکت سیاسی می‌باشد. برای مثال اگر یک سازمان نظرسنجی بخواهد در آستانه یک انتخابات ملی، مشارکت سیاسی مردم را پیش‌بینی کند به چیزی بیش از شرکت در انتخابات و عوامل اثرگذار بر آن نیاز ندارد، اما اگر فرضاً پژوهشگری با رویکرد جامعه‌شناسانه قصد داشته باشد مردم را به لحاظ نوع و میزان مشارکت سیاسی‌شان بشناسد، آن وقت حتی زندگی خصوصی افراد هم می‌تواند از نظر دارا بودن نشانه‌ها و رفتارهای سیاسی برای پژوهشگر اهمیت پیدا کند.



۳. مرور شاخص‌های مشارکت سیاسی



به آنها پرداخته نشده است. هدف از ارائه این شاخص‌ها علاوه بر اینکه نمونه‌هایی آموزشی در اختیار پژوهشگر قرار می‌دهد و وجوه مختلف مشارکت سیاسی را روشن می‌کند؛ ایجاد بانکی از متغیرها و نشانگرهاست تا پژوهشگر بتواند به فراخور جامعه مورد نظر خود از آنها استفاده کند تا در نهایت بتواند به شاخصی بومی و استاندارد دست یابد. پیش از معرفی شاخص‌های مشارکت بهتر است کمی به خود مفهوم شاخص بپردازیم.

در این بخش به شاخص‌های مطرح‌شده مشارکت سیاسی پرداخته شده است. برخی از این شاخص‌ها در سطح جهانی و منطقه‌ای، برخی در سطح ملی و برخی دیگر در جوامع آماری کوچکتر اجرا شده‌اند. همچنین بازه تاریخی این شاخص‌ها نیز گسترده بوده و از ۵۰ سال گذشته تا امروز را دربر می‌گیرد. شایان ذکر است پژوهش‌های داخلی که با هدف ارائه شاخص‌سنجش مشارکت سیاسی انجام شده مورد مطالعه قرار گرفته اما از آنجا که هیچ‌یک از تلاش‌های مذکور در سطح گسترده‌ای به آزمون گذاشته نشده‌اند، در این گزارش

۳-۱. شاخص چیست؟

می‌شود. هر نشانگر یک بُعد یا جنبه از مفهوم یا متغیر را می‌سنجد و مجموع این ابعاد و جنبه‌ها که با هم ترکیب شود شاخص را می‌سازند. برای مثال مشارکت سیاسی یک مفهوم کیفی و انتزاعی است که برای سنجش آن به یک شاخص نیاز است. برای ساخت این شاخص، مشارکت سیاسی به ابعاد مفهومی مختلفی تقسیم می‌شود مثل رأی‌دهی، عضویت در حزب، تماس با مقامات سیاسی و... باید توجه داشت که هرکدام از این نشانگرها با توجه به پیشینه نظری، نیازمند تعریف عملیاتی است. پس از تعاریف عملیاتی در هر بخش نشانگرهای اصلی شاخص استخراج می‌شود. در مرحله بعد فرایند طراحی پرسشنامه جهت کشف بهترین گویه‌ها و سنجه‌ها برای سنجش نشانگرها آغاز می‌شود. با استفاده از آزمون‌های آماری مناسب‌ترین آنها انتخاب می‌شود تا با تجمیع نشانگرها شاخص مشارکت سیاسی ساخته شود. در ادامه به مرور شاخص‌های بکار رفته در حوزه سنجش مشارکت سیاسی پرداخته می‌شود.

تعاریف مختلفی از «شاخص» ارائه شده است. برای مثال بیبی^۱ (۲۰۱۳) شاخص را نوعی واحد اندازه‌گیری ترکیبی می‌داند که چند مشاهده مختلف را خلاصه و رتبه‌بندی می‌کند و ابعاد کلی‌تری از موضوع پژوهش را نشان می‌دهد. شاخص، مفاهیم انتزاعی، کیفی و کلی را به نحوی عملیاتی می‌کند که به‌طور عینی، ملموس و کمی قابل اندازه‌گیری باشند. شاخص روشی برای محاسبه یک نمره از مجموعه‌ای از سؤالات و اظهارات است؛ به‌طوری که نشان‌دهنده یک باور، احساس یا نگرش باشد. شاخص چیزی نیست که به‌خودی‌خود وجود داشته باشد، بلکه روشی برای سنجش است که باید طراحی شود [۱۹]. در زبان فارسی دو واژه «Indicator» و «Index» هر دو شاخص ترجمه می‌شوند؛ درحالی‌که با یکدیگر تفاوت دارند، البته برخی منابع عبارت شاخص را معادل Indicator و عبارت شاخص ترکیبی را در ترجمه Index بکار می‌برند، اما واژه «نشانگر» معادل دقیق‌تری برای Indicator است^۲ و واژه شاخص صرفاً باید به Index اطلاق شود. هر Index یا شاخص از مجموعه‌ای از نشانگرها یا Indicatorها تشکیل

۳-۲. شاخص وربا و نای

از بزرگ‌ترین مطالعاتی است که تاکنون در مورد شیوه‌های مشارکت شهروندان در زندگی سیاسی آمریکا انجام شده است. وربا و نای به این پرسش می‌پردازند که چه کسی، چگونه و با

یکی از مطالعات معروف و از اولین پیمایش‌های گسترده در زمینه مشارکت سیاسی پروژه وربا و نای است که در کتابی به نام «مشارکت در آمریکا»^۲ منعکس شده است. این پروژه یکی

1. Earl Babbie

۲. کلمه «معرف» نیز یکی دیگر از معادل‌های Indicator است.

3. Participation in America: Political Democracy and Social Equality

- * تلاش برای بیان چرایی انتخاب یک حزب یا نامزد برای دیگران در جریان انتخابات،
- * شرکت در گردهمایی یا میتینگ‌های سیاسی در ۳-۴ سال گذشته،
- * حمایت مالی از یک حزب یا نامزد در ۳-۴ سال گذشته،
- * حمایت غیرمالی از یک حزب یا نامزد سیاسی،
- * عضویت و فعالیت در گروه یا سازمان سیاسی،
- * همکاری با دیگران برای حل مشکلات جامعه،
- * مشارکت در تشکیل یک گروه جدید برای تلاش در جهت حل مشکلات جامعه،
- * تماس و ملاقات با رهبران محلی یا مقامات دولتی برای حل مشکلات جامعه.

چه تأثیراتی در فرایندهای دموکراتیک آمریکا شرکت می‌کند. آنها چهار نوع مشارکت سیاسی را متمایز می‌کنند: رأی دادن، مبارزات انتخاباتی، فعالیت‌های جمعی و تعامل با یک مقام دولتی برای رسیدن به یک هدف شخصی. نویسندگان با استفاده از بررسی یک نمونه ملی و مصاحبه با رهبران در ۶۴ اجتماع گوناگون، هم‌بستگی بین وضعیت اجتماعی-اقتصادی و مشارکت سیاسی را بررسی کردند. این کتاب در سال ۱۹۷۲ به چاپ رسیده و مرجع بسیاری از تحقیقات دیگر در این حوزه بوده است. پرسشنامه وربا و نای در پیوست گزارش آمده است [۲۰].

نشانگرهای این شاخص شامل موارد زیر است:

- * شرکت در انتخابات ملی گذشته و ماقبل گذشته،
- * شرکت در انتخابات محلی.

۳-۳. شاخص (PPAR) از دیویدسن و کاتر^۱

مشارکت تأثیر بیشتری دارد. پیترسون و همکارانش نیز در سال ۲۰۰۶ شاخص هشت‌گانه مشارکت سیاسی را با هدف پاسخ به سؤالات روانشناختی طراحی کردند [۲۱]. به نظر می‌رسد این موضوع جایگاه ویژه‌ای در روانشناسی اجتماعی داشته باشد. دیویدسون و کاتر نشانگرهای سنجش مشارکت را به پنج دسته تقسیم می‌کند: مبارزات انتخاباتی^۲، رأی‌دهی، گفتگو، کار گروهی و تماس با مقامات و مسئولین. نشانگرهای هریک از این دسته‌ها در جدول زیر آمده است [۲۲].

یکی از شاخص‌هایی که از منظر روان‌شناسی اجتماعی برای سنجش مشارکت سیاسی طراحی شده، شاخص دیویدسون و کاتر (۱۹۸۹) است که از طریق مصاحبه تلفنی با حجم نمونه ۵۴۶ و به صورت تصادفی در بیرمنگام و آلاباما اجرا شده است. یکی از اهداف این پژوهش آزمون این فرضیه است که آیا احساس تعلق اجتماعی تأثیری بر میزان مشارکت سیاسی افراد دارد یا خیر؟ نتایج پژوهش وجود رابطه را تأیید می‌کند و نشان می‌دهد که احساس تعلق اجتماعی بر کدامیک از اشکال

جدول ۲. شاخص مشارکت سیاسی دیویدسن و کاتر

ردیف	دسته	نشانگرها
۱	مبارزات انتخاباتی	حمایت مالی از یک کارزار، فعالیت در یک کارزار، حضور در یک گردهمایی سیاسی
۲	رأی‌دهی	شرکت در انتخابات ریاست‌جمهوری گذشته، شرکت در انتخابات ریاست‌جمهوری ماقبل گذشته، شرکت در انتخابات عمومی حاکمان
۳	گفتگو	صحبت با اعضای خانواده، دوستان و همکاران درباره مسائل سیاسی
۴	کار گروهی	همکاری با دیگران به منظور حل مشکلات جامعه، تشکیل گروه‌هایی به منظور حل مشکلات جامعه، مطرح کردن مشکلات عمومی با رهبران غیرسیاسی
۵	تماس با مقامات	مطرح کردن مشکلات عمومی با مسئولین سیاسی یا دولتی، تماس با مقامات دولتی محلی

1. Political Participation Index of Davidson and Cotter (1986)
2. Campaigning



۴-۳. شاخص مصرف سیاسی^۱

نهادهای سیاسی بی‌اعتماد هستند، اما به سایر شهروندان اعتماد بیشتری دارند [۲۳]. این دو در شاخص خود علاوه بر نیت سیاسی به مواضع اخلاقی نیز توجه کرده‌اند. امروزه گروه‌های مردمی و نویسندگان مستقل زیادی سعی دارند توجه عموم را به مسئله شرایط غیراخلاقی حاکم بر فضای تولید کالاها جلب کنند. مثل اینکه در تولید محصولات الکترونیکی یک برند خاص کارگران آفریقایی زیادی استثمار شده و منابع کشورشان به یغما برده می‌شود. یا در تولید یک برند خاص از پوشاک کودکان خانواده‌های فقیر را به کار می‌گیرند. یا در مورد برخی محصولات لوازم آرایشی و بهداشتی گفته می‌شود این مواد در روند تولید، روی خرگوش‌ها آزمایش شده و باعث آسیب و آزار آنان می‌گردد. حتی برخی از دوستداران و حامیان حقوق حیوانات، دامداری‌های صنعتی را ناقض حقوق دام دانسته و مردم را به عدم استفاده از گوشت و لبنیات تشویق می‌کنند. نشانگرهای این شاخص در ادامه آورده شده است:

- باور به مؤثر بودن تحریم،
- باور به مسئولیت فردی در قبال انتخاب درست،
- داشتن ملاحظات اخلاقی هنگام خرید (مواد غذایی - مواد شوینده - رستوران - لوازم تحریر - لباس - کفش - بانک)،
- خرید کردن براساس ملاحظات اخلاقی یا سیاسی در یک سال گذشته (ترجیح دادن یک محصول - تحریم یک محصول).

واحد و چارچوبی مرجع برای اندازه‌گیری رفتار مشارکتی وجود نداشته است، زیرا مقیاس‌ها یا شاخص‌های موجود بر یک مدل نظری مبتنی نیستند، بلکه بیشتر شبیه چک لیستی از رفتارهای مرتبط است. یکی از نقاط قوت این شاخص سنجش مشارکت سیاسی رسمی و غیر رسمی است. به عبارتی بعد از مشخص شدن میزان مشارکت رسمی، بین بی‌علاقگی به سیاست و عدم مشارکت سیاسی به دلایل سیاسی تمایز قائل

مصرف سیاسی به معنای خرید براساس ملاحظات سیاسی است. یعنی فرد در انتخاب محصولات یا خدماتی که می‌خواهد در ازای آنها پول بپردازد معیارهای سیاسی را در نظر داشته باشد. این امر هم می‌تواند جنبه سلبی داشته باشد (تحریم) و هم ایجابی (حمایت). برای مثال وقتی یک نام تجاری (برند) خاص در حمایت از یک رویداد یا شخصیت سیاسی یا یک جریان حزبی به هر نحوی اعلام موضع کند ممکن است گروهی از مردم که مخالف آن شخصیت یا رویداد هستند محصولات آن برند را تحریم کنند. نمونه این اقدام را در کشور خودمان می‌توان در مورد تحریم برندهای حامی اسرائیل دید که از سوی برخی گروه‌های انقلابی و حامی مقاومت معرفی می‌شود. هرچند مصرف سیاسی بیشتر با تحریم شناخته می‌شود، اما ممکن است به شکل حمایت از برندی که مواضع سیاسی‌اش با مواضع مصرف‌کننده یکسان است نیز دیده شود. این دو شکل تحریم و حمایت به ترتیب با دو اصطلاح Boycott و Buycott در اکثر شاخص‌های جدیدتر وجود دارد و نشان‌دهنده افزایش این شکل از رفتار سیاسی بین شهروندان است.

یکی از شاخص‌هایی که برای سنجش این نوع رفتار وجود دارد، در سال ۲۰۰۵ توسط استول^۲ و همکارانش ارائه شده و بین ۱۰۱۵ دانشجوی کانادایی، بلژیکی و سوئدی اجرا شده است. استول و همکارانش نتایج این پیمایش را چنین تحلیل می‌کنند که مصرف‌گرایی سیاسی در درجه اول ابزار کسانی است که به

۵-۳. مقیاس رفتار مشارکتی (PBS)^۳

تالو و مارانینی^۴ در سال ۲۰۱۴، نوع‌شناسی مشارکت اکمن و امنا^۵ (۲۰۱۲) را توسعه داده و مقیاس جدیدی تحت عنوان «مقیاس رفتارهای مشارکتی» ایجاد کردند که چهار بعد مشارکت را از هم تفکیک می‌کند: مشارکت سیاسی رسمی، کنشگری، مشارکت مدنی و عدم مشارکت. هدف تالو و مارانینی معرفی یک معیار چند بعدی از رفتارهای مشارکتی بود، زیرا به اعتقاد این دو در ادبیات نظری این حوزه ابزاری

1. Political Consumerism Index
2. Stolle
3. The Participatory Behaviors Scale (PBS)
4. Talò, C. and Mannarini
5. Ekman, J. and Amnå, E.

درجه اول، یعنی عدم مشارکت، مشارکت مدنی، مشارکت سیاسی رسمی و کنشگری) رضایت‌بخش‌ترین شاخص‌های برازش را ایجاد کرد. همچنین پایایی و روایی مقیاس نیز تایید شد [۲۱]. جدول زیر نشانگرهای این شاخص را به تفکیک ۴ بعد نشان می‌دهد.

می‌شود. تفاوت بین مشارکت رسمی و غیررسمی اطلاعاتی را درباره وضعیت جامعه ارائه می‌دهد. مقیاس پیشنهادی تالو و مارانینی برای اعتبارسنجی بر روی نمونه‌ای ۵۶۶ نفری اجرا شد و تحلیل عاملی تأییدی نشان داد که ساختار عاملی مرتبه دوم PBS (متشکل از چهار عامل

جدول ۳. مقیاس رفتار مشارکتی تالو و مارانینی

مصداق	بُعد	ردیف
شرکت در انتخابات و فراندوم رای ندادن اعتراضی تماس با نمایندگان سیاسی کاندید شدن برای یک مسئولیت سیاسی اهدای پول به یک حزب یا سازمان سیاسی عضویت در یک حزب، اتحادیه صنفی یا سازمان سیاسی فعالیت در یک حزب، اتحادیه صنفی یا سازمان سیاسی	مشارکت سیاسی رسمی	۱
میزان علاقه به مسائل و رویدادهای سیاسی نوشتن یادداشت برای سردبیر روزنامه اهدای پول به خیریه صحبت درباره سیاست با دوستان یا در فضای مجازی مصرف محتوای سیاسی روزنامه یا تلویزیون بازیافت یا تفکیک زباله داوطلب شدن در سازمان‌های اجتماعی یا مذهبی داشتن سبک‌زندگی جهت‌دار مثل گیاه‌خواری، ضد مصرف‌گرایی، بانک و خرده فرهنگ‌ها	مشارکت مدنی	۲
تحریم محصولات بنا به دلایل اخلاقی یا ایدئولوژیکی امضای طومار توزیع محتوای سیاسی نوشتن شعار یا کشیدن گرافیتی روی دیوار ساختمان‌ها فعالیت در یک جنبش شرکت در اعتصاب، اعتراض، تظاهرات	کنشگری	۳
رای ندادن در انتخابات ملی یا محلی عدم مصرف محتوای سیاسی روزنامه یا تلویزیون خودداری از صحبت درباره سیاست بی‌تفاوتی نسبت به سیاست تنفر از سیاست احساس اینکه سیاست مفید یا جذاب نیست بی‌ارتباط دانستن سیاست	عدم مشارکت	۴

پنج بخش اصلی دارد که شامل رفاه، سلامت، اعتماد بین فردی و اعتماد نهادی، پیوند اجتماعی و مشارکت مدنی می‌شود. بخش پنجم این پیمایش همین شاخص PBS تالو و مانارینی است که توضیح داده شد.

سازمان همکاری اقتصادی و توسعه (OECD) در پروژه ارزیابی بین‌المللی مهارت‌های بزرگسالان (PIAAC) مشارکت سیاسی شهروندان را در بیش از ۴۰ کشور سنجیده است. مقیاسی که در این پیمایش مورد استفاده قرار گرفته



۶-۳. شاخص پیو (PEW)^۱

شاخص طی چند مرحله و با اجرای چندین نمونه آزمایشی اصلاح و تکمیل شده است. بسته به هدف پژوهش می‌توان از این شاخص به صورت جزئی یا کلی استفاده کرد. برای مثال برای اندازه‌گیری مشارکت جوانان در انتخابات، می‌توان تنها پنج شاخص انتخاباتی را مدنظر قرار داد. یا اگر هدف ارزیابی یک برنامه اجتماعی باشد، ممکن است شاخص‌های مشارکت مدنی کافی باشد و اگر هدف به دست آوردن وسعت فعالیت باشد، هر ۱۹ نشانگر باید به کار گرفته شود [۲۴]. جدول زیر فعالیت‌های ۱۹ گانه را به تفکیک ۴ نوع اصلی نشان می‌دهد.

شاخص دیگری که به منظور اندازه‌گیری مشارکت سیاسی و مدنی توسط جمعی از پژوهشگران با حمایت و سفارش مرکز تحقیقاتی «پیو» طراحی شده، مؤلفه‌های اصلی مشارکت را شامل ۱۹ فعالیت اصلی می‌داند که در سه دسته اصلی و یک دسته مکمل تقسیم‌بندی می‌شود. این شاخص در یک نظرسنجی تلفنی ملی در ایالات متحده در سال ۲۰۰۱ مورد استفاده قرار گرفت. هدف طراحان این شاخص همان‌طور که در مقاله خود اذعان کرده‌اند پوشش روش‌های متنوع درگیری افراد با سیاست در زندگی روزمره و نیز طراحی سؤالات به‌گونه‌ای است که برای عموم مردم قابل فهم باشد. این

جدول ۴. شاخص مورد استفاده پیو

دسته	مصادق
نشانگرهای انتخاباتی	شرکت منظم در انتخابات، متقاعد کردن دیگران برای رأی دادن به یک نامزد یا حزب خاص، نمایش نمادها، علائم یا برچسب‌ها؛ مشارکت در مبارزات انتخاباتی، و داوطلب شدن برای سازمان‌های سیاسی
نشانگرهای مدنی	حل مشکلات جامعه، داوطلب شدن منظم برای یک سازمان غیرانتخابی، عضویت فعال در یک گروه یا انجمن، مشارکت در رویدادهایی مانند دویدن/پیداهروی/سواری یا سایر شیوه‌های جمع‌آوری کمک مالی برای امور خیریه.
نشانگرهای بیان سیاسی	تماس با مقامات، تماس با رسانه‌های مکتوب، تماس با رسانه‌های صوتی تصویری، اعتراض، شرکت در تومارهای ایمیلی، شرکت در تومارهای کتبی، تحریم، حمایت و جمع‌آوری رأی
نشانگرهای دقت و توجه	تماشای منظم اخبار تلویزیون، خواندن منظم روزنامه، پیگیری مسائل عمومی و سیاسی در اغلب اوقات، صحبت تقریباً همیشگی درباره سیاست با دوستان و بستگان.

۷-۳. جمع‌بندی شاخص‌ها

فوق، آنها را در ۷ دسته طبقه بندی کرد. جدول زیر این ۷ گروه و نشانگرهای مربوط به هر دسته را نشان می‌دهد:

تا به اینجا تعدادی از شاخص‌های مطرح مشارکت سیاسی را مرور کردیم. حال به منظور جمع‌بندی موارد خوانده شده می‌توان با کنار هم قرار دادن نشانگرهای تمام شاخص‌های

جدول ۵. جمع‌بندی شاخص‌های مرور شده

دسته	نشانگر	تعریف
رأی دهی	شرکت در انتخابات ملی/محلی گذشته، حال، آینده	به‌طور مشخص با ذکر سال و نوع انتخابات از پاسخگو پرسیده می‌شود آیا در آن انتخابات شرکت کرده بوده یا شرکت خواهد کرد. مثلاً انتخابات ریاست‌جمهوری ۱۴۰۰ یا انتخابات مجلس در اسفندماه سال ۱۴۰۲
	شرکت در انتخابات ملی/محلی بطور کلی	بدون مشخص کردن یک انتخابات خاص از پاسخگو پرسیده می‌شود آیا به‌طور کلی در انتخابات‌های ملی شرکت می‌کند.
	رأی ندادن فعال	رأی ندادن فعال به معنای عدم شرکت در انتخابات به عنوان یک کنش سیاسی است که با هدف تأثیرگذاری سیاسی یا ارسال یک پیام سیاسی به نظام حاکم صورت می‌گیرد.

1. Pew Research Center

ادامه جدول ۵. جمع‌بندی شاخص‌های مرور شده

دسته	نشانگر	تعریف
حمایت / طرفداری	نمایش نماد هواداری از یک حزب یا نامزد	استفاده از هر نوع نمادی در ظاهر خود فرد و متعلقات فرد اعم از لباس، خودرو، حساب کاربری در شبکه‌های اجتماعی و ... که نشان‌دهنده هواداری از یک حزب یا نامزد باشد.
	تبلیغ حزب یا نامزد	تولید یا انتشار مجموعه اطلاعاتی در حمایت یا ضدیت یک حزب یا نامزد به قصد اثرگذاری بر دیگران و با مفروض گرفتن مخاطب
	تشویق دیگران به حمایت از یک حزب یا نامزد	-
	بیان چرایی انتخاب یک حزب یا نامزد	فرد دلایل خود را برای حمایت از حزب یا نامزد مورد نظرش برای دیگران بازگو می‌کند.
	تلاش برای موفقیت یک حزب یا نامزد	هر نوع فعالیتی اعم از تبلیغ یا کمک مالی در جهت موفقیت حزب یا نامزد مورد نظر
	کمک مالی به یک حزب یا نامزد	کمک مالی به حزب یا نامزد مورد نظر به منظور پیروزی در انتخابات
	فعالیت در ستاد انتخاباتی یک حزب یا نامزد	-
کنش در ساختار رسمی	تلاش برای کسب مناصب سیاسی	داوطلب شدن، کاندیدا شدن، ثبت‌نام کردن و هر روش قانونی و رسمی دیگر برای به دست آوردن یک منصب سیاسی
	عضویت در حزب، سازمان، انجمن یا جنبش سیاسی	عضویت به معنای ثبت‌نام و برخورداری از حقوق عمومی و اولیه اعضاست.
	فعال بودن در یک حزب یا سازمان، انجمن یا جنبش سیاسی	-
	تماس با مقامات به واسطه رسانه (مقاله، نامه، مصاحبه)	ایجاد ارتباط با مسئولین دولتی از طریق تماس تلفنی، نامه، ایمیل و روش‌های مشابه دیگر به منظور ارائه پیشنهاد، انتقاد، شکایت و درخواست
	تماس مستقیم (حضور) با مقامات	ملاقات حضوری با یک مسئول دولتی به منظور ارائه پیشنهاد، انتقاد، شکایت و درخواست
	شرکت در تظاهرات یا راهپیمایی‌های رسمی	منظور از راهپیمایی‌های رسمی مواردی است که با فراخوان دولت یا احزاب و نهادهای قانونی و رسمی کشور برگزار می‌شود.
	شرکت در پویش‌ها	پویش، کارزار یا کمپین مجموعه‌ای از اقدامات مختلف یا اقدامی واحد از طریق کانال‌های مختلف است که در طول دوره زمانی مشخصی برای دستیابی به هدفی سیاسی صورت می‌گیرد. در رسانه‌های رسمی ایران اصطلاح پویش، بیشتر به شرکت در فراخوان‌های رسمی دولتی برای ارسال عکس، جمله، کلمه، ویدئو و امثالهم در حمایت از یک موضع سیاسی رسمی و حاکمیتی اطلاق می‌شود و با آنچه در دمکراسی‌های غربی رواج دارد، متفاوت است.
مشارکت مدنی	تلاش برای حل مشکلات عمومی (در سطح ملی یا محلی)	مشکلات عمومی مشکلاتی است که گروه زیادی از شهروندان را درگیر می‌کند. «گروه زیاد» بسته به اینکه مشکل در سطح ملی یا منطقه‌ای یا محلی است تفاوت پیدا می‌کند. برای مثال یک مشکل محلی مانند خرابی آسفالت یک خیابان شاید صد نفر را درگیر کند. یک مشکل منطقه‌ای مانند تغییر مسیر رودخانه یا خشک شدن یک تالاب چند هزار نفر را تحت تأثیر قرار دهد و یک مشکل ملی مانند اعتیاد، به میلیون‌ها نفر آسیب وارد کند. هر نوع تلاش در جهت برطرف کردن یا کاهش مشکلات عمومی در این مورد می‌گنجد. مانند آگاهی بخشی، کمک مالی، همکاری با اعضای محلی، تماس با مقامات دولتی و ... نکته مهم در مورد واژه عمومی غیر از اینکه بر تعداد کثیری از مردم اطلاق می‌شود این است که نباید محدودیتی در ورود به دایره عموم وجود داشته باشد. مثلاً همکاری با اعضای ساختمان برای تجهیز یا تعمیر ساختمان، یک اقدام عمومی به حساب نمی‌آید هرچند تعدادشان زیاد باشد زیرا افرادی که ساکن ساختمان نیستند نمی‌توانند از این اقدام بهره‌مند شوند، اما در مورد آسفالت خیابان هیچ ممنوعیتی یا محدودیتی در عبور از خیابان وجود ندارد. به همین ترتیب کمک به یک فرد نیازمند بخصوص که او را می‌شناسیم یا با او آشنا شده ایم مشارکت مدنی به حساب نمی‌آید، اما اهدای پول به نهادی که برای مثال سعی دارد همه نیازمندان را پوشش دهد مشارکت مدنی تلقی می‌شود، زیرا آن نهاد ممنوعیتی برای حمایت از برخی نیازمندان قائل نشده و درش به روی همه نیازمندان باز است.



ادامه جدول ۵. جمع بندی شاخص‌های مرور شده

دسته	نشانه‌گر	تعریف
مشارکت مدنی	تأسیس نهاد برای رفع مشکلات عمومی	تشکیل و تأسیس نهادهای رسمی و ثبت شده یا ائتلاف‌های کوچک محلی با هدف رسیدگی به مشکلات عمومی
	اهدای پول	اهدای پول شخصی برای حل مشکلات عمومی مثل ساخت یا تجهیز یک پل، مسجد، مدرسه و ...
	جمع‌آوری پول	جمع‌آوری پول از طریق درخواست از دیگران، برگزاری نمایشگاه یا فروشگاه یا هر نوع مراسمی که شرکت‌کنندگان در ازای آن حاضر به پرداخت پول باشند و این پول در جهت حل مشکلات عمومی هزینه شود.
	عضویت در نهادهای مدنی	عضویت در نهادهای رسمی و ثبت شده یا ائتلاف‌های کوچک محلی که با هدف رسیدگی به مشکلات عمومی تشکیل شده‌اند.
	فعالیت در نهادهای مدنی	هر نوع فعالیت در جهت پیش‌برد اهداف نهاد
مصرف محتوای سیاسی	تماس، نامه، ملاقات و یا رایزنی با مقامات یا رهبران محلی	منظور از رهبران محلی افرادی است که گروه قابل توجهی از مردم از آنان تبعیت می‌کنند. رهبران محلی در شهرهای کوچک و یا روستاها نمود و کارکرد بیشتری دارند و می‌توانند یک شخصیت مذهبی مثل امام جماعت مسجد، یک شخصیت اقتصادی مثل یک بازاری معتمد، یک شخصیت سیاسی مثل نماینده مجلس یا عضو شورای شهر و روستا و امثالهم باشد. تماس با این افراد در صورتی که با هدف حل مشکلات عمومی باشد مصداقی از مشارکت سیاسی (مدنی) به حساب می‌آید.
	همکاری با دیگران برای حل مشکلات	همکاری با دیگران اگر در قالب نهادها و تشکلهای نباشد عموماً در سطح محله و روابط همسایگی مصداق پیدا می‌کند.
	جستجوی اطلاعات سیاسی	شرکت در اعتصاب، تظاهرات برای حل مشکلات مدنی و خودجوش مردمی و به منظور حل مشکلات عمومی برگزار می‌شود.
کنش غیر رسمی	جستجوی اطلاعات سیاسی	جستجوی اطلاعات سیاسی شامل تلاش برای دستیابی به اطلاعات از طرق مختلف مانند پرس و جو، مطالعه، سرچ و ... می‌باشد. اطلاعات سیاسی نیز شامل هر نوع دانش در حوزه سیاست اعم از افراد، فرایندها، مرام‌ها، مفاهیم، زمان‌ها، مکان‌ها و ... است.
	مصرف محتوای سیاسی	مشاهده، مطالعه یا استماع برنامه‌ها، اخبار، گزارش‌ها، مقالات و هر نوع محتوای سیاسی در رادیو، تلویزیون، مطبوعات و فضای مجازی
کنش غیر رسمی	حضور در گردهمایی/ میتینگ/ سخنرانی یا ... سیاسی	مصرف محتوای سیاسی بدون واسطه رسانه و به شکل حضور مستقیم.
	شعار نویسی	نوشتن شعار، جمله یا هر نوع نماد روی سطوح مختلف فضاهای عمومی شهر با محتوا و مضمون سیاسی-اجتماعی
	گرافیتی	دیوارنگاری (نقاشی یا تلفیق نقاشی و نوشتن) با محتوا و مضمون سیاسی-اجتماعی
	اعتصاب	توقف موقت کار با هدف بیان اعتراض یا درخواست سیاسی اجتماعی که معمولاً به صورت گروهی رخ می‌دهد.
	تظاهرات	تظاهرات اقامی جمعی و اعتراضی توسط مردم در واکنش به یک رویداد یا تصمیم است که می‌تواند به شکل تجمع، راهپیمایی، سخنرانی، تشکیل زنجیره انسانی و سایر روش‌های جلب توجه عموم و ارسال پیام در فضاهای عمومی شهر/روستا صورت گیرد.
تحصن	تحصن به معنای بست نشستن یا پناه بردن به مکانی خاص به عنوان یک کنش اعتراضی-درخواستی است که در آن تحصن‌کنندگان قصد دارند تا تحقق خواسته‌های خود محل را ترک نمایند.	

ادامه جدول ۵. جمع بندی شاخص‌های مرور شده

تعریف	نشانگر	دسته
ایجاد تریبونی غیر رسمی برای بیان و نگارش مطالب سیاسی.	راه اندازی شبکه/پیج/وبلاگ و ...	کنش غیر رسمی
تهیه گزارش، خبر، عکس و فیلم و یا مقاله و مصاحبه با محتوای سیاسی برای رسانه‌ها.	همکاری با رسانه‌ها	
امضای طومارهای الکترونیکی یا کتبی با محتوای سیاسی.	امضای طومار	
طرح ریزی یا شرکت در مجموعه ای از فعالیت‌های سازماندهی شده در طول دوره‌ی مشخصی از زمان به جهت دستیابی به یک هدف سیاسی خاص. البته این فعالیت‌ها می‌تواند رسمی و قانونی هم باشد.	پویش ^۱	
-	صحبت درباره مسائل سیاسی با اطرافیان	زندگی روزمره و فعالیت‌های سیاسی
انتخاب محصولات برندی که از یک موضع سیاسی حمایت می‌کند یا جهت گیری‌های سیاسی خاصی دارد و در مقابل تحریم محصولات برندی که جهت گیری‌های سیاسی اش موافق با جهت گیری‌های خریدار نیست.	خرید با ملاحظات سیاسی	
اتخاذ سبک خاصی از ظاهر و رفتار مثل پوشش یا غذای مصرفی که علاوه بر تطابق با اصول و مرام مورد نظر فرد بیانگر معنا و پیامی برای اطرافیان فرد نیز باشد (مانند گیاه‌خواری، ضد مصرف گرایی، پانک، خرده فرهنگ‌های جوانان و ...).	سبک زندگی جهت دار	



۴. نتیجه‌گیری



بر اساس نظام‌های دمکراسی لیبرال طراحی شده‌اند نمی‌توانند به همان صورت برای جوامع اقتدارگرا استفاده شوند. بنابراین لازم است که پژوهشگران قبل از استفاده از شاخص‌های حتی معتبر جهانی به این تفاوت‌ها توجه نمایند.

اما علی‌رغم این حساسیت‌ها مشاهده شاخص‌های جهانی مفید است، زیرا این شاخص‌ها بر مبنای نظریه‌های متنوع و متعدد و مشاهدات تجربی محققان طراحی شده‌اند و پشتوانه نظری و تجربی غنی‌ای دارند از این رو مشاهده یک شاخص معتبر می‌تواند به مثابه مطالعه مجموعه‌ای از نظریات در نظر گرفته شود و ابعاد مختلف موضوع را برای محقق روشن‌تر سازد. علاوه بر این شاخص‌های معتبر به شیوه‌ای علمی نیز آزمون شده‌اند و ایرادهای احتمالی‌شان بر طرف شده است، به همین دلیل می‌توانند به لحاظ روشی راهنمای پژوهشگران باشند.

آنچه در بخش قبل گذشت معرفی شاخص‌های مطرح مشارکت سیاسی و جمع‌آوری مجموعه‌ای از نشانگرها به عنوان الگویی برای پژوهش در این حوزه بود. در پایان ۳۸ نشانگر که از ۸ شاخص مختلف بدست آمده بود در ۷ دسته تقسیم‌بندی و ارائه شد. برخی از این نشانگرها در تمام شاخص‌ها تکرار شده است، مانند شرکت در انتخابات و برخی دیگر تنها در یک شاخص ذکر شده است مانند خرید کردن بر اساس ملاحظات سیاسی. در این نوشتار مجال ساخت یک شاخص ملی و بومی دقیق وجود ندارد، شاید این مهم قدم بعدی این گزارش باشد، اما از آنجاکه انتخاب آیتم‌های اصلی یک شاخص یا همان متغیرهای ساده و جزئی‌تر، مقدمه ساخت شاخص است، لذا در این گزارش تلاش شد مروری بر شاخص‌ها و مفاهیم مشارکت سیاسی انجام شود تا امکان ساخت یک شاخص بومی مشارکت سیاسی در ایران در تحقیقات آتی فراهم شود.

مفاهیم علوم انسانی که عمدتاً از نوع متغیرهای سازه‌ای هستند، از آنجاکه سطح انتزاع بالاتری دارند و به سادگی و صراحت قابل تعریف نیستند؛ سنجش و اندازه‌گیری‌شان نیز مشکل‌تر است. باید توجه داشت که اولین گام در سنجش چنین متغیرهایی، ارائه تعریفی صحیح و دقیق از مفهوم یا همان متغیر مورد نظر است، زیرا ابزار اندازه‌گیری بر مبنای آن تعریف طراحی می‌شود. شناخت وجوه و ابعاد مختلف موضوع، رجوع به ادبیات نظری مربوطه، درک روشن از هدف پژوهش و داشتن رویکرد منطقی برای رسیدن به چنین تعریفی ضروری است. پس از تعریف، ابزار مناسب برای سنجش باید طراحی یا انتخاب شود. این امر مستلزم شکستن مفهوم به اجزای خردتر آن و سپس ترکیب مجدد اجزاست. زیرا همان‌طور که پیش‌تر نیز گفته شد متغیرهای سازه‌ای از جمله مشارکت‌های سیاسی خود از چند متغیر ساده دیگر تشکیل شده‌اند که باید جداگانه سنجیده شوند.

تقسیم یک سازه به متغیرهای کوچکتر، اندازه‌گیری، محاسبه ضرایب هم‌بستگی و همچنین واریانس بین موارد، هم‌تراز کردن، وزن‌دهی، اعتبارسنجی و سایر روش‌های آماری و سپس ترکیب و تجمیع نمرات و متغیرها ذیل یک متغیر اصلی و بزرگتر در فرایند شاخص‌سازی صورت می‌گیرد که نیازمند تخصص و صرف زمان و هزینه است. به همین دلیل پژوهشگران تا جایی که بتوانند سعی می‌کنند به جای ساخت مجدد شاخص، از شاخص‌های موجود استفاده کنند. این امر علاوه بر سهولت، سرعت و صرفه‌جویی در هزینه‌ها، اعتبار علمی پژوهش را افزایش می‌دهد و امکان مقایسه در زمان و مکان‌های مختلف را فراهم می‌کند. البته امکان استفاده از یک شاخص در جوامع دیگر به جنس آن متغیر و نوع تفاوت‌های جوامع با یکدیگر بستگی دارد. برای مثال شاخص‌های مشارکت سیاسی که

۵. پیوست (پرسشنامه‌ها)



۵-۱. پرسشنامه وربا و نای (۱۹۷۲)

جدول ۶. پرسشنامه وربا و نای

ردیف	سؤال	ترجمه
(a) The Voting Measures		معیارهای رأی‌دهی
1	Can you tell me how you voted in the 1964 presidential election—did you vote for Johnson or Goldwater or perhaps you did not vote. Voted - Didn't vote	می‌توانید بگویید در انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۱۹۶۴ چگونه رأی دادید - آیا به جانسون یا گلدواتر رأی دادید یا شاید اصلاً رأی ندادید.
2	And how about in 1960—can you tell me how you voted in the presidential election did you vote for Kennedy or Nixon or perhaps you did not vote. Voted - Didn't vote	در انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۱۹۶۰ چطور؟ می‌توانید بگویید به کندی رأی دادید یا نیکسون یا شاید اصلاً رأی ندادید؟
3	What about local elections do you always vote in those, do you sometimes miss one, or do you rarely vote, or do you never vote? Never Rarely Mostly Always	در مورد انتخابات محلی چطور، آیا همیشه در آن شرکت می‌کنید، یا گاهی اوقات یا به ندرت، یا هرگز رأی نمی‌دهید؟
(b) The Measures of Campaign Participation		
4	During elections do you ever try to show people why they should vote for one of the parties or candidates? (If yes) often, sometimes, rarely, never, don't know	آیا در طول انتخابات سعی کرده‌اید به مردم نشان دهید که چرا باید به یکی از احزاب یا نامزدها رأی دهند؟ (اگر بله) اغلب، گاهی اوقات، به ندرت، هرگز، نمی‌دانم.
5	In the past three or four years have you attended any political meetings or rallies? Yes - No	آیا در سه چهار سال گذشته در جلسات یا میتینگ‌های سیاسی شرکت کرده‌اید؟ بله - خیر
6	In the past three or four years have you contributed money to a political party or candidate or to any other political cause? Yes - No	آیا در سه یا چهار سال گذشته به یک حزب یا نامزد سیاسی یا هر هدف سیاسی دیگری کمک مالی کرده‌اید؟ بله - خیر
7	Have you ever done (other) work for one of the parties or candidates in most elections, some elections, only a few, or have you never done such work? Never A few elections Some elections Most elections	آیا تا به حال در انتخابات برای یکی از احزاب یا نامزدها کار (دیگری) انجام داده‌اید؟ در اکثر انتخابات‌ها، برخی از انتخابات، فقط در تعداد معدودی، یا هرگز



ادامه جدول ۶. پرسشنامه وربا و نای

ردیف	سؤال	ترجمه
8	<p>Now we would like to know something about the groups and organizations to which member individuals belong—here is a list of various kinds of organizations: What about political groups such as Democratic or Republican clubs, or political action groups? Are you a member of any of these types of groups? (If yes), Are you an active member, that is, do you regularly attend meetings and play an active role in the organization? Nonmember-Passive member-Active member</p>	<p>اکنون می‌خواهیم چیزی در مورد عضویت در گروه‌ها و سازمان‌ها بدانیم - در اینجا فهرستی از انواع سازمان‌ها وجود دارد: گروه‌های سیاسی مانند دموکرات یا جمهوری‌خواه، یا گروه‌های اقدام سیاسی آیا شما عضو هر یک از این نوع گروه‌ها هستید؟ (اگر بله)، آیا عضو فعالی هستید، یعنی به طور منظم در جلسات شرکت می‌کنید و نقش فعالی در سازمان ایفا می‌کنید؟ عضو نیستم- عضو غیرفعال- عضو فعال</p>
(c) Measures of Communal Activity		معیارهای فعالیت اجتماعی
9	<p>Have you ever worked with others in this community to try to solve some community problem? Yes - No</p>	<p>آیا تا به حال با افراد دیگر جامعه برای حل برخی از مشکلات جامعه همکاری کرده‌اید؟ بله خیر</p>
10	<p>Have you ever taken part in forming a new group or a new organization to try to solve some community problem? Yes - No</p>	<p>آیا تا به حال در تشکیل یک گروه یا سازمان جدید برای حل برخی از مشکلات جامعه شرکت کرده‌اید؟ بله خیر</p>
11	<p>We were talking earlier about problems that you and the people of this community have—have you ever personally gone to see, or spoken to, or written to some member of the local community about some need or problem? (Only contacts with a group or social referent are reported here. Frequencies for contacts with particularized referents are presented under d.) Yes - No</p>	<p>ما قبلاً در مورد مشکلاتی که شما و افراد این جامعه دارید صحبت می‌کردیم - آیا تا به حال شخصاً برای دیدن آنها رفته‌اید، یا با برخی از اعضای جامعه محلی در مورد نیاز یا مشکلی صحبت کرده‌اید یا برای آنها نامه نوشته‌اید؟ بله خیر</p>
12	<p>What about some representative or governmental official outside of the local community—on the (county, if local unit below county level) state or national level—have you ever contacted or written to such a person on some need or problem? (Only contacts with a group or social referent are reported here. Frequencies for contacts with particularized referents are presented under d.) Yes - No</p>	<p>با برخی از نمایندگان یا مقامات دولتی خارج از جامعه محلی چطور؟ آیا تا به حال در مورد نیاز یا مشکلی با چنین شخصی تماس گرفته‌اید یا نامه ای برای آنها نوشته‌اید؟ بله خیر</p>
(d) Measures of Particularized Contact		معیارهای تماس خاص
13	<p>We were talking earlier about problems that you and the people of this community have—have you ever personally gone to see or spoken to, or written to some member of the local community, or some other person of influence in the community about some need or problem? (Only contacts with referents are presented here. Frequencies for contacts with a group or social referent are reported under c.)</p>	<p>قبلاً در مورد مشکلاتی که شما و افراد این جامعه دارید صحبت می‌کردیم - آیا تا به حال شخصاً برای دیدن یا صحبت کردن، یا نوشتن نامه به یکی از اعضای جامعه محلی یا شخص دیگری که در جامعه تأثیرگذار است درباره برخی مسائل یا نیازها اقدام کرده‌اید.</p>

ادامه جدول ۶. پرسشنامه وربا و نای

ردیف	سؤال	ترجمه
14	What about some representative or governmental official outside of the local community —on the (county, if local unit below county level) state or national level—have you ever contacted or written to such a person on some need or problem? (Only contacts with particularized referents are presented here. Frequencies for contacts with a group or social referent are reported under c.)	در مورد برخی از نمایندگان یا مقامات دولتی خارج از جامعه محلی چطور؟ آیا تا به حال در مورد نیاز یا مشکلی با چنین شخصی تماس گرفته اید یا برای او نامه نوشته اید؟

۲-۵. پرسشنامه‌های استاندارد

اختیار پژوهشگران قرار می‌دهند. در ادامه دو مورد از این پرسشنامه‌ها آورده شده است.

علاوه بر مقالات علمی و گزارش‌هایی که برخی از مراکز نظرسنجی منتشر می‌کنند سایت‌هایی نیز هستند که پرسشنامه‌های استاندارد را درباره موضوعات مختلف در

جدول ۷. پرسشنامه استاندارد [۲۵] Question pro

ردیف	سؤال	گزینه	ترجمه
1	Are you registered to vote at the current address you reside at?	1.Yes 2.No	آیا برای رأی دادن در آدرس فعلی که در آن ساکن هستید ثبت نام کرده اید؟
2	Do you think the existing government is going in the right direction to benefit the people of the country?	1.Yes 2.No	به نظر شما آیا دولت فعلی در مسیر درستی که به نفع مردم کشور باشد قرار دارد(حرکت می‌کند)؟
3	Which party do you support to handle sensitive topics such as national security?	1.Democrats 2.Republicans 3.Don't know 4.I don't support any party	برای رسیدگی به موضوعات حساس مانند امنیت ملی از کدام حزب حمایت می‌کنید؟
4	How likely are you to vote in the coming elections?	1.Certain to vote 2.Most likely to vote 3.Probably won't vote 4.Skip the primary elections 5.Don't know 6.I won't vote	چقدر احتمال دارد در انتخابات آینده رأی دهید؟
5	Please state, whom did you vote for in the last election?	--	لطفاً بفرمایید در انتخابات گذشته به چه کسی رأی دادید؟



ادامه جدول ۷. پرسشنامه استاندارد [۲۵] Question pro

ردیف	سؤال	گزینه	ترجمه
6	On what basis do you assess a political candidate?	1.News on TV 2.Articles in the newspapers 3.Attend events where the candidate is addressing the people 4.I research all the channels before making my choice 5.Number of fundraisers the candidate has done in your area 6.The family upbringing of the candidate 7.Other	یک نامزد سیاسی را بر چه اساسی ارزیابی می‌کنید؟
7	In your opinion, do you think gun control laws and regulations should be changed?	1.Yes 2.No	به نظر شما آیا قوانین و مقررات کنترل اسلحه باید تغییر کند؟
8	Do you think possession of guns should be allowed to everyone?	1.Yes 2.No	آیا فکر می‌کنید داشتن اسلحه باید برای همه مجاز باشد؟
9	Do you think there should be stricter rules and regulations on the use of money in political campaigns?	1.Yes 2.No 3.Don't know	به نظر شما آیا باید قوانین و مقررات سخت گیرانه تری در مورد استفاده از پول در مبارزات سیاسی وجود داشته باشد؟
10	How do you describe yourself as?	1.Democrat 2.Independent 3.Republican 4.Something else 5.Don't know	خودتان را چگونه توصیف می‌کنید؟

Please state your level of agreement for the following:

- 1.Completely agree
- 2.Somewhat agree
- 3.Neutral
- 4.Somewhat disagree
- 5.Completely disagree

11	All ethnicities should be integrated into society		همه اقوام باید در جامعه ادغام شوند
----	---	--	------------------------------------

ادامه جدول ۷. پرسشنامه استاندارد [۲۵] Question pro

ردیف	سؤال	ترجمه
12	There should be more emphasis on the rehabilitation of criminals than punishment	باید بر بازپروری مجرمان بیشتر از مجازات تأکید شود
13	Reservations should be there for low-income families only	رزرو باید فقط برای خانواده‌های کم درآمد باشد
14	Government servants should have competitive salaries as given by the private sector	کارمندان دولت باید حقوق رقابتی داشته باشند که توسط بخش خصوصی داده می‌شود
15	Corporations should not be allowed to interfere in political campaigns	شرکت‌ها نباید اجازه داشته باشند در مبارزات سیاسی دخالت کنند
16	There should be policies to resolve the gap between the rich and the poor.	باید سیاست‌هایی برای رفع شکاف بین فقیر و غنی وجود داشته باشد.
17	There should be more strict laws and regulations to eradicate corruption	باید قوانین و مقررات سخت گیرانه‌تری برای ریشه کنی فساد وجود داشته باشد
18	There should be rules to include all religions in all political parties	باید قوانینی وجود داشته باشد که همه ادیان را در همه احزاب سیاسی شامل شود
19	The government is liable to be transparent about all initiatives to the public	دولت موظف است در مورد همه ابتکارات برای مردم شفاف باشد
20	We should work towards building stronger relationships with Russia	ما باید برای ایجاد روابط قوی تر با روسیه تلاش کنیم
21	The government should assist corporations in increasing employment	دولت باید به شرکت‌ها در افزایش اشتغال کمک کند
22	The government should increase incentives for corporates who are socially responsible	دولت باید مشوق‌های شرکت‌هایی را که مسئولیت اجتماعی دارند افزایش دهد
23	Environment safety is more important than business tax revenue	ایمنی محیط زیست مهم‌تر از درآمد مالیاتی مشاغل است
24	The government should increase incentives for corporates who are environment-friendly	دولت باید برای شرکت‌هایی که دوستدار محیط زیست هستند، مشوق‌ها را افزایش دهد
25	Do you have any issues or queries that you would want to be addressed by the political party you support?	آیا مشکل یا سؤالی دارید که بخواهید توسط حزب سیاسی مورد حمایت شما حل شود؟ (سؤال باز)



۳-۵. پرسشنامه استاندارد Survey Sparrow

تأثیرگذاری سیاسی. سؤالات بخش اول این پرسشنامه در ادامه آمده است (surveysparrow, ۲۰۲۳):

Survey Sparrow یک پرسشنامه سیاسی را شامل ۵ دسته سؤال می‌داند: سؤالات مربوط به مشارکت سیاسی، وابستگی حزبی/اجتہادی، ایدئولوژی سیاسی، دانش و آگاهی سیاسی و

جدول ۸. پرسشنامه استاندارد surveysparrow [۲۶]

ردیف	سؤال	ترجمه
1	How likely are you to go vote in the coming election?	چقدر احتمال دارد در انتخابات آتی شرکت کنید؟
2	When was the last time you voted in a national/local poll?	آخرین باری که در یک رأی‌گیری ملی یا محلی شرکت کردید کی بوده است؟
3	Do you talk to people about who to vote for?	آیا درباره کسی که قصد دارید به او رأی دهید با دیگران صحبت می‌کنید؟

لطفاً میزان رضایت خود را با هر یک از عبارات زیر مشخص کنید. آیا تا به حال:

Please state your level of agreement for each statement. Have you:

4	Attended a political rally, speech, or event?	در یک گردهمایی، سخنرانی یا مراسم سیاسی شرکت کرده‌اید؟
5	Worked or volunteered for a political party, campaign, or candidate?	برای یک نامزد، کمپین یا حزب سیاسی کار کرده یا داوطلب شده‌اید؟
6	Been an active member of a group (not including a political party) that tries to influence public policy or government?	عضو فعالی از گروهی (غیر از حزب سیاسی) بوده‌اید که تلاش تأثیر بر سیاست عمومی یا حکومت باشد؟
7	Contacted an elected official?	با یک مقام منتخب تماس گرفته‌اید؟
8	Contributed money to a candidate or a group working to elect a candidate?	به یک نامزد یا گروهی که برای انتخاب یک نامزد فعالیت دارد پول پرداخت کرده‌اید؟
9	Displayed a poster or bumper sticker or worn clothing or a button related to a political campaign?	پوستر، ماشین‌نوشته، لباس یا پیکسل مرتبط با یک کمپین سیاسی را نمایش داده یا پوشیده‌اید (استفاده کرده‌اید)؟
10	Publicly expressed your support for a campaign on social media?	در رسانه‌های اجتماعی حمایت خود را از یک کمپین علناً اعلام کردید؟



- [1]. I Coma, F. M. & Morgenbesser, L. (2020). Election turnout in authoritarian regimes. *Electoral Studies*, 68, 102 - 222.
- [2]. Stiglitz, J. E., Sen, A. & Fitoussi, J. P. (2009). Report by the commission on the measurement of economic performance and social progress.
- [3]. Van Deth, J. W. (2001). Studying political participation: Towards a theory of everything. *Joint sessions of workshops of the European consortium for political research*, 6 - 11.
- [4]. Wajzer, M. (2015). Political participation: some problems of conceptualization. Retrieved from researchgate and academia.edu.
- [5]. Van Deth, J. W. (2014). A conceptual map of political participation. *Acta politica*, 49, 349 - 367.
- [6]. Ivaldi, E., Bonatti, G. & Soliani, R. (2017). An indicator for the measurement of political participation: The case of Italy. *Social Indicators Research*, 132, 605 - 620.
- [7]. Huntington, S.P. & Nelson, J.M. (1976). Political Participation by the Poor. *No Easy Choice: Political Participation in Developing Countries*, 116 - 158.
- [8]. Weiner, M. (1987). Empirical democratic theory and the transition from authoritarianism to democracy. *PS: Political Science & Politics*, 20(4), 861 - 866.
- [9]. Parry, G., Moyser, G. & Day, N. (1992). *Political participation and democracy in Britain*. Cambridge University Press.
- [10]. Brady, H., Schlozman, K. & Verba, S. (1995). beyond ses: a resource model of political participation. *American Political Science Review*, 89(2), 153 - 168.
- [11]. Brady, H., Schlozman, K. & Verba, S. (1999). Prospecting for Participants: Rational Expectations and the Recruitment of Political Activists. *American Political Science Review*, 93(1), 153 - 168.
- [12]. Norris, P. (2002). *Democratic phoenix: Reinventing political activism*. Cambridge University Press.
- [13]. Rush, M. (2014). *Politics and society: An introduction to political sociology*. Routledge.
- [14]. International encyclopedia of the social behavioral sciences.
- [15]. Sairambay, Y. (2020). Reconceptualising political participation. *Human Affairs*, 30(1), 120 - 127.
- [16]. Van Deth, J. W. (2021). What Is Political Participation. Oxford Research Encyclopedia of Politics.
- [17]. Zukin, C., Keeter, S., Andolina, M., Jenkins, K. & Carpini, M. X. D. (2006). *A new engagement?: Political participation, civic life, and the changing American citizen*. Oxford University Press.
- [18]. Theocharis, Y. (2015). The conceptualization of digitally networked participation. *Social Media+ Society*, 1(2), 1 - 14.
- [19]. Earl-Babbie, M. (2013). *The Practice of Social Research*. Wadsworth, Thomson Learning Inc.
- [20]. Verba, S. & Nie, N. H. (1987). *Participation in America: Political democracy and social equality*. University of Chicago Press.
- [21]. Talò, C. & Mannarini, T. (2015). Measuring participation: Development and validation the participatory behaviors scale. *Social indicators research*, 123(3), 799 - 816.
- [22]. Davidson, W. B. & Cotter, P. R. (1986). Sense of community and political participation. *Journal of Community Psychology*, 17, 119 - 125.
- [23]. Stolle, D., Hooghe, M. & Micheletti, M. (2005). Politics in the Supermarket: Political Consumerism as a Form of Political Participation. *International Political Science Review / Revue internationale de science politique*, 26(3), 245 - 269.
- [24]. 24. Andolina, M., Keeter, S., Zukin, C., & Jenkins, K. (2003). A guide to the index of civic and political engagement. *College Park, MD: The Center for Information and Research on Civic Learning and Engagement*.
- [25]. <https://www.questionpro.com/>
- [26]. <https://surveysparrow.com/>

گزیده سیاستی

با مطالعه شاخص‌های جهانی در حوزه مشارکت سیاسی، می‌توان نتیجه‌گیری کرد طراحی شاخص‌های مشارکت سیاسی ارتباط زیادی با ویژگی‌های سیاسی و فرهنگی جامعه آماری دارد و نیاز است که شاخص‌های بومی متناسب با شرایط کشور طراحی شوند.



مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی

تهران، خیابان پاسداران، روبروی پارک نیاوران (ضلع جنوبی، پلاک ۸۰۲)

تلفن: ۷۵۱۸۳۰۰۰ صندوق پستی: ۱۵۸۷۵-۵۸۵۵ پست الکترونیک: mrc@majles.ir

وبسایت: rc.majles.ir